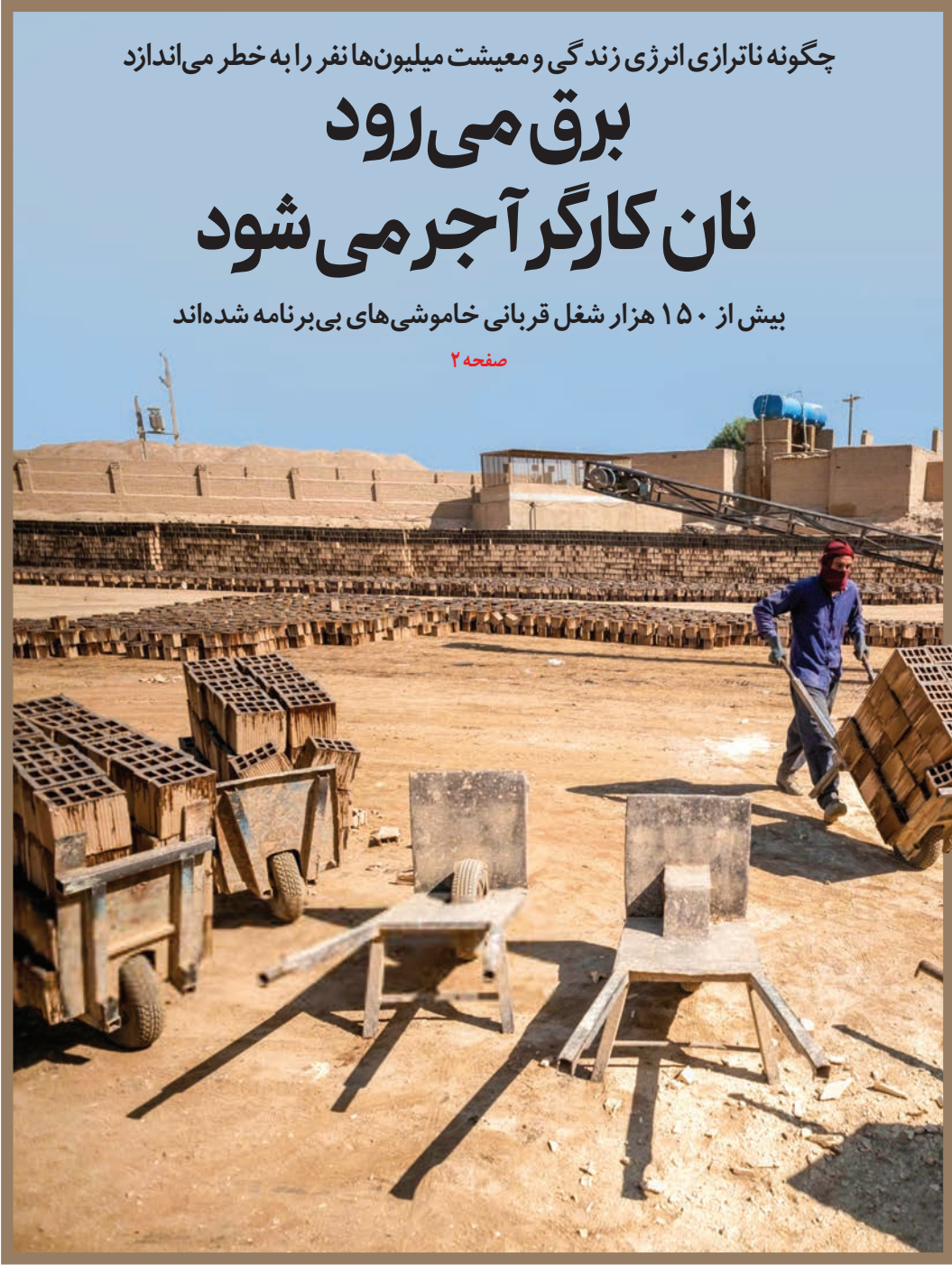




چگونه ناترازی انرژی زندگی و معیشت میلیون ها نفر را به خطر می اندازد

برق می رود نان کارگر آجر می شود

بیش از ۱۵۰ هزار شغل قربانی خاموشی های بی بر نامه شده اند

صفحه ۲

در پی دستورالعمل ثبت جنگ در عرصه سینما

جنگ داغ داغ مقابل دوربین رفت

وزارت فرهنگ و ارشاد طی ابلاغ دستورالعملی

به سازمان های زیر مجموعه خود به دنبال ثبت نخستین
دستاوردهای عینی از جنگ است

شاید جملات بالا، حالا که یک ماه و ۱۹ روز از جنگ گذشته برای ما معنای دیگر داشته باشد؛ معنایی بیشتر از ۳ نیرماه که سحرگاش با اعلام آتش بس، جنگی ۱۲ روزه به پایان رسید. حتی معنایی پررنگ تر از ۲۲ سال پیش، زمانی که سوزان سانتاگ کتاب «نظر به درد دیگران» را نوشت و برای نخستین بار چاپ و به جهان عرضه کرد...

صفحه ۵



به بهانه استعفای علی نظری جویباری

پس از پایان سوپر جام

استقلال و ۳ مدیرعامل در ۱۵ ماه!

صفحه ۷

کوهی که کتاب می زاید

کتابفروشی صخره های هچی چین، سالانه با جذب هزاران گردشگر و عاشق کتاب به نمادی از ادغام فرهنگ و طبیعت تبدیل شده است

صفحه ۴

وقتی قیمت ها سر به فلک می زنند

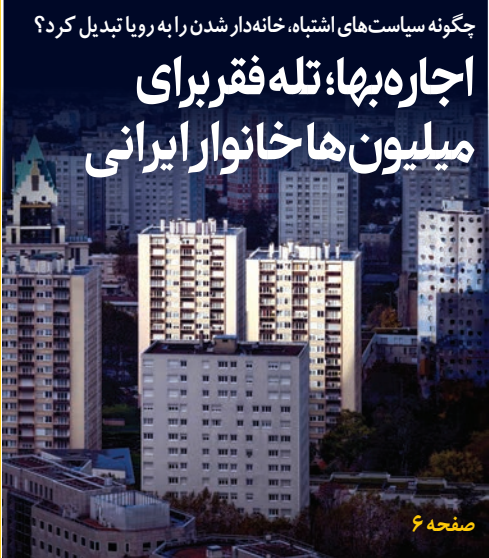
خریداران تر

هنری که باید آموخت

در بازار گران اقلام خوراکی، خرید هوشمندانه و مقرون به صرفه به خانواده ها کمک می کند تا با بودجه محدود

سفرهای پربار تر بچینند

صفحه ۲



چگونه سیاست های اشتباه، خانه دار شدن را به رویا تبدیل کرد؟

اجاره بها؛ تله فقر برای میلیون ها خانوار ایرانی

صفحه ۶

یادداشت

دوروی سکه بی اعتمادی

خاموشی و قبض سنگین برق

وحید غفاری
هفت صبح

تابستان که از راه می رسد، یک ماجرای تکراری گریبان مردم را

می گیرد؛ خاموشی های بی دریی و افزایش مصرف برق، طبیعی است وقتی هوا گرم می شود، وسایل سرمایشی بی وقفه کار می کنند و قبض های برق با ارقامی سنگین تر از همیشه روی دوش مصرف کننده می افتد. اما این گرانی فقط به گرمای هوا مربوط نیست بلکه ریشه آن در ساختاری است که سال هاست تغییر نکرده و دولت ها مقصر اصلی آن بوده اند. کما اینکه چند

روز پیش شخص رئیس جمهوری در دیدار با اهالی رسانه با صراحت اعلام کرد که «در زمینه آب، برق، گاز و تورم مشکل داریم. امروز در شرایط اجبار قرار داریم و حق انتخاب نداریم؛ نمی توانیم آب را قطع نکنیم.» دولت طی این سال ها هم تولید کننده برق است، هم تعیین کننده قیمت و هم بازیگری

که شکست هایش را با فشار مالی بر مردم جبران می کند. در کشوری که منابع انرژی فراوان دارد، از گاز تا آفتاب و باد، پرش اینجاست که چرا تولید برق هنوز پرهزینه، ناکارآمد و محدود به بخش دولتی است؟ چرا وقتی شبکه برق تابستان ها از کار می افتد و خاموشی ها سهم روزانه شهروندان می شود، با هم عده قیمتی در قبض ها بالا می رود؟ چرا کسی نیست دولت ها را جریمه کند که تا این اندازه ناکارآمد بوده اند؟ این در حالی است که دولت خود بزرگترین مصرف کننده انرژی در کشور است.

مردم؛ پرداخت کنندگان بی اختیار

سال ها پیش، دولت با افتخار اعلام کرد که گاز را به دورترین روستاهای کشور هم رسانده است. این اقدام در ظاهر، نشانه توسعه بود؛ اما در عمل، الگویی از مصرف ساخت که امروز گریبان همه را گرفته است. وقتی خانه ها، مغازه ها و کارخانه ها همگی به برق و گاز متصل شدند، مصرف انرژی به شکلی ناگزیر بالا رفت و مردم چاره ای ندارند جز آنکه از همین ساختاری بهره ببرند که دولت پیش پای آنها نهاده است. مردم این زیرساخت را انتخاب نکردند، بلکه به آن پیوستند چون تنها گزینه موجود بود. اکنون که تولید و توزیع این حجم از انرژی برای دولت سخت و پرهزینه شده، راه حل ساده ای پیدا کرده است: گران کردن هزینه برق مصرفی. این همان جایی است که ناکارآمدی ساختاری، بی هیچ تلاشی برای اصلاح، به شکل مستقیم به جیب مردم منتقل می شود.

سیاستی به نام «ارسال سیگنال قیمتی»

در ادبیات رسمی، افزایش قیمت ها «ارسال سیگنال قیمتی» نام دارد؛ یعنی این منطق وجود دارد که با گران کردن انرژی، مردم به کاهش مصرف ترغیب می شوند. اما در واقعیت، این سیگنال بیشتر شبیه یک پیام تپید آمیز و منتقل کردن بار ناکارآمدی دولت به جیب مردم و رفع تکلیف است. در این مواقع مردم همیشه مقصرند و باید کمتر مصرف کنند، دوش نگیرند چون آب نیست، کولر آبی نگذارند چون آب مصرف می کند، کولر گازی استفاده نکنند چون برق مصرف می کند، رستمان وسیله گرمایشی استفاده نکنند چون گاز نیست و این یعنی دولت می گوید من همینم که هستم

گزارش

چرا شناسایی دزدان برق این قدر دشوار است؟

ماینرهای غیرمجاز، کابوس صنعت و مردم

تا زمانی که صدها هزار دستگاه همچنان پنهان اند، برق پایدار برای مردم، رویایی دور باقی می ماند

آن ها زندگی را مختل می کنند. الوداد توضیح می دهد که مصرف ۲۰۰۰ مگاواتی این دستگاه ها، معادل نیاز چند استان در روزهای گرم است. این یعنی در گرمای ۵۰ درجه جنوب، بیمارستان ها، خانه ها و کارخانه ها از برق محروم می شوند. کشاورزان، کارگران و بیماران، قربانیان اصلی این ناترازی اند. وقتی برق قطع می شود، کارخانه ها تعطیل می شوند، کارگران بیکار می مانند و سلامت بیماران در بیمارستان ها به خطر می افتد. صباغیان با اشاره به نارضایتی گسترده مردم، از رئیس جمهور و وزیر نیرو خواسته تا پاسخی روشن بدهند. اما پاسخ چیست؟ به گفته وزیر نیرو، ماینینگ غیرمجاز یک «دزدی زشت» است که باید با جدیت با آن مقابله کرد.

راهکارهای قانونی و پیشنهادهای عملی برای مهار این بحران، قوانین سختگیرانه ای وجود دارد. تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، خرید، فروش و نگهداری ماینرها را ممنوع می کند، این راهکارها کافی نیستند. همکاری مردم، دولتی و خصوصی با روش های مختلف، می تواند به شناسایی و حذف ماینرهای غیرمجاز کمک کند. برای کاهش این بار اضافی است.

آینده ای روشن تر؟

مبارزه با ماینرهای غیرمجاز، آزمونی برای سیاست گذاران است. کشف پنج برابری دستگاه ها و گزارش های مردمی، نشان دهنده عزم جدی ماینرداران برای ورود هرچه بیشتر این دستگاه و سرقت بیشتر است و تا زمانی که صدها هزار دستگاه همچنان پنهان اند، برق پایدار برای مردم رویایی دور باقی می ماند. دولت می تواند با تقویت زیرساخت ها، تشدید نظارت و استفاده از انرژی های نوین شرایط را برای مقابله با این پدیده فراهم کند.



بدون ثبت در سامانه جامع تجارت یا دریافت کد رهگیری فعالیت می کنند. این یعنی نه فقط برق ایرانهای را مصرف می کنند، بلکه به شبکه خسارت می زنند و مالکان این اماکن، حتی اگر اجاره ای باشند، مسئول جبران خسارت اند.

کشفیات بیشتر، اثر کمتر

تلاش ها برای مقابله با این بحران بی ثمر نبوده است. سوادکوهی گزارش می دهد که در چهار ماه نخست سال ۱۴۰۴، کشف دستگاه های ماینر غیرمجاز نسبت به سال گذشته ۵ برابر شده و بیش از ۱۵ هزار دستگاه در ۱۳۰۰ پرونده توقیف شده اند. ارزش این پرونده ها بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان است. استان های آذربایجان شرقی، بوشهر، خوزستان و فارس بیشترین درگیری را با این معضل داشته اند. گزارش های مردمی از طریق سامانه که به صورت محرمانه ثبت می شوند، نقش بزرگی در این کشفیات داشته اند. علاوه بر این، صفحات تبلیغاتی فروش ماینر در شبکه های اجتماعی شناسایی و با هماهنگی دادستانی کل کشور مسدود می شوند. اما با وجود این پیشرفت ها، هنوز ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار دستگاه فعال اند که شبکه را تحت فشار نگه داشته اند و به نظر می رسد حتی با رشد کشفیات تاثیری بر میزان کاهش مصرف برق دیده نمی شود.

پیامدهای سنگین برای صنعت و مردم ماینرهای غیرمجاز فقط برق را هدر نمی دهند؛

غیرمجاز که به گفته عباس علی آبادی، وزیر نیرو، مانند دزدان برق عمل می کنند، نقش بزرگی در این بحران دارند. هر دستگاه ماینر، با مصرفی برابر یک کولر گازی که ۲۴ ساعته کار می کند، حدود ۲ کیلووات برق می بلعد. سال گذشته، کشف ۲۲۰ هزار دستگاه نشان داد که این دزدان خاموش، حدود ۱۰۰۰ مگاوات از برق کشور را به خود اختصاص داده اند. برآوردهای جدیدتر از محمد الوداد، معاون شرکت توانیر، حتی تکان دهنده تر است. او می گوید ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار دستگاه غیرمجاز، معادل ۱۷۸۰ تا ۲۵۰۰ مگاوات، یعنی پنج درصد کل مصرف برق کشور و بیست درصد ناترازی انرژی را به خود اختصاص داده اند.

چرا شناسایی ماینرها سخت است؟

مگر این ماینر دارها کیستند که شناسایی آن ها این قدر مشکل است؟ این سوالی است که ذهن بسیاری از مردم و حتی نمایندگان مجلس را به خود مشغول کرده. محمد رضا صباغیان بافتی، عضو کمیسیون امور داخلی مجلس، با انتقاد از قطعی های مکرر برق، از وزارت نیرو پرسیده که چرا این دستگاه ها همچنان برق کشور را می بلعند. پاسخ در مخفی کاری این فعالیت با فکر تعدیل نیرو بود. کارگری که قرار است یکسال کار کند در اثر بی برقی کار نمی کند چرا باید این همه کارگر داشته باشیم. خاموشی های بی برنامه، نه فقط تولید را متوقف کرده، بلکه معیشت هزاران نفر را به خطر انداخته است. در این میان، ماینرهای

در گرمای طاقت فرسای تابستان وقتی برق می رود و چراغ خانه و کارخانه خاموش می شود، آب از دسترس خارج می شود و کولرها از کار می افتند و کارگاه ها در تاریکی فرو می روند، انگشت اتهام به سمت دزدان خاموش برق نشانه می رود؛ ماینرهای غیرمجاز. این دستگاه های کوچک اما پر مصرف، که در سایه ها پنهان شده اند نه فقط شبکه برق را زیر فشار می برند، بلکه زندگی کارگران، کشاورزان و بیماران را مختل کرده اند. تصور کنید خانواده ای که در گرمای ۵۰ درجه جنوب، بدون برق به دنبال راهی برای خنک ماندن است، یا کارگری که به خاطر تعطیلی کارخانه، حقوقش به خطر افتاده است و نگران تأمین معاش است چه حالی می تواند داشته باشد وقتی بفهمد عده ای با

سودجویی برق می دزدند.

ماینرهای غیرمجاز، با مصرف برقی برابر با چند استان، مسئول حدود ۲۰ درصد از ناترازی انرژی کشورند. این دستگاه ها که گاهی در انبارهای مخفی یا حتی خانه های اجاره ای کار می کنند، سالانه میلیاردها تومان خسارت به شبکه برق وارد می کنند و آینده صنعت و معیشت مردم را به خطر می اندازند. اما مگر این ماینر دارها کیستند که شناسایی آن ها این قدر مشکل است؟ چرا با وجود کشف صدها هزار دستگاه، هنوز شبکه برق زیر بار این دزدی پنهان کم خرج کرده است؟ گزارش ها نشان می دهد که از انبارهای مرزی تا شهرهای مرکزی، ماینرها مثل سایه ای نامرئی عمل می کنند، اما تلاش های جدید برای کشف آن ها، از گزارش های مردمی تا برخوردهای قضایی، همچنان بی اثر باقی مانده است و تا وقتی این دستگاه ها در گوشه های پنهان کار می کنند، برق پایدار برای مردم همچنان یک آرزوست.

دزدان برق در کمین شبکه

تابستان امسال، وقتی صدای دستگاه ها در کارخانه های حاشیه شهر خاموش شد و کارگران با چهره هایی نگران کنار در ایستادند، با خود حساب می کردند از اضافه کاری خبری نیست و کار فرما به فکر تعدیل نیرو بود. کارگری که قرار است یکسال کار کند در اثر بی برقی کار نمی کند چرا باید این همه کارگر داشته باشیم. خاموشی های بی برنامه، نه فقط تولید را متوقف کرده، بلکه معیشت هزاران نفر را به خطر انداخته است. در این میان، ماینرهای

قبض بزرگ ناکارآمدی

قبض های برق امسال، چه در خانه های کوچک و چه در ساختمان های بزرگ، بیش از هر چیز یک پیام دارند. مردم در حال پرداخت هزینه ناکارآمدی دولتمردان هستند. این ناکارآمدی تنها به مدیریت برق محدود نمی شود؛ بلکه بخشی از شیوه کلی اداره کشور است، شیوه ای پرهزینه، انحصاری و بی گشایش به روی راه حل های تازه. اصلاح این وضعیت، نه با «سیگنال قیمتی» بلکه با «سیگنال مسئولیت پذیری» ممکن است. سیگنالی که از دولت به مردم ارسال شود و نشان دهد که حاکمیت حاضر است سهم خود را در اصلاح ساختارها بپردازد پیش از آنکه از مردم انتظار داشته باشد بار بیشتری بر دوش بکشد.

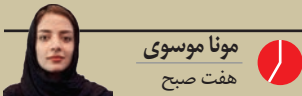


چگونه ناترازی انرژی، زندگی و معیشت میلیون ها نفر را به خطر می اندازد

برق می رود

نان کارگر آجر می شود

بیش از ۱۵۰ هزار شغل قربانی خاموشی های بی پرنامه شده اند



مونا موسوی
هفت صبح

در یکی از روزهای داغ تابستان، صدای خاموش شدن دستگاه ها سکوت سنگینی را در کارگاه کوچکی در حاشیه شهر رقم زد. مسئول فنی در حالی که وضعیت عملکرد برق تجهیزات را بررسی می کرد، زیر لب زمزمه کرد: «باز هم رفت... برق، مثل مهمانی ناخوانده، آمده بود و بی خبر رفته بود. این صحنه دیگر برای بسیاری از مدیران صنعتی تکراری شده؛ قطعی های مکرر، آن هم در روزهایی که رکود نفس بنگاه های اقتصادی را به شماره انداخته، به سختی قابل باور است. اما ماجرا فقط به کارگاه های کوچک محدود نمی شد. در آن سوی شهر و در کارخانه های بزرگ، دستگاه ها خاموش مانده و کارگران با لباس های خاک گرفته، کنار ایستاده بودند. مدیر کارخانه با چهره های نگران، به آنها گفت: «دو روز تعطیل هستیم... شاید هفته بعد بهتر شود.» اما هیچ کس مطمئن نبود. برق که نباشد، تولید هم نیست. وقتی تولید متوقف شود، حقوق ها هم متزلزل می شود. کارگران می گفتند: «خدایا، خودت مشکل برق را درست کن.»

در دل این بحران، صدای اعتراض ها هم بلندتر شده. کارگران با نگرانی می پرسند: «یعنی چی حقوق متزلزل می شود؟ ما مستاجر هستیم و امکان دریافت حقوق پاره وقت نداریم. تکلیف ما را روشن کنید.» این پرسش ها، نه از سر ناراحتی، بلکه از دل نگرانی هایی عمیق تر برمی خاستند؛ نگرانی از آینده ای مبهم، از سفره هایی که کوچک تر می شوند و از کارگرانی که با دستان خالی به خانه بازمی گردند.

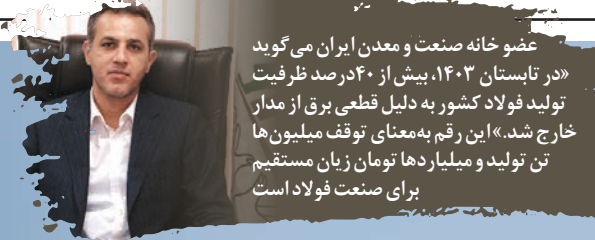
❖ بی تعادلی زندگی ناشی از ناترازی انرژی
در خیابان ها، در رسانه ها و حتی در گفت و گوهای روزمره، یک واژه بیشتر از همه شنیده می شد: «ناترازی». واژه ای که شاید برای بسیاری معنای فنی داشته باشد، اما حالا به نمادی از بی تعادلی در زندگی مردم تبدیل شده بود. ناترازی برق، یعنی نبود تعادل میان تولید و مصرف، یعنی خاموشی هایی که بی برنامه می آیند و بی خبر می روند، یعنی اختلال در تولید، در اشتغال و در آرامش روانی جامعه. تنها در سال ۱۴۰۳، بیش از ۱۵۰ هزار فرصت شغلی در بخش تولید تحت تأثیر قطعی برق از بین رفت.

❖ ناترازی عامل کاهش در آمد بخش صنعت
«بیش نپاهی زاده» عضو هیأت مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در گفت و گو با «هفت صبح» اثر ناترازی برق را در کاهش در آمد بخش صنعت حدود ۸ میلیارد دلار عنوان می کند. او هشدار می دهد: «به طور قطع این میزان کاهش در آمد بنگاه های صنعتی روی تعداد کارگران و حتی میزان دستمزد آنها تأثیر می گذارد. مگر می شود در این شرایط سخت، کارگران بتوانند بدون اضافه کار از پس هزینه های زندگی خود براءیند؟» وی افزود: «اگر دولت این در آمد از دست رفته ۸ میلیارد دلاری را صرف ساخت نیروگاه می کرد، امروز نه تنها چالشی در زمینه تولید و اشتغال نداشتیم، بلکه برق خانگی هم قطع نمی شد. در مقطع کنونی، دولت باید فکری به حال تولید و کارگران بکند مثلاً تخفیف مالیاتی بدهد یا تأمین اجتماعی حداقل هزینه را

برای بیمه کارگران دریافت کند. این مسئله منجر می شود بنگاه های صنعتی با وجود کاهش تولید و در آمد، همچنان بتوانند نیروی انسانی خود را حفظ کنند. در غیر این صورت، واحدهای صنعتی کوچک بین ۳۰ تا ۵۵ درصد تعدیل نیرو خواهند داشت.»

پناهی زاده تصریح کرد: «متأسفانه مشکل اینجاست که بسیاری از بنگاه های صادراتی نیز واردات مصالح تولید می کنند. هزینه تولید بالا می رود و رکود و بیکاری را عمیق تر می کند. به طور قطع وقتی حدود ۲۰ میلیارد دلار در آمد صادراتی از بخش خصوصی است، نمی توان نسبت به کاهش ۸ میلیارد دلاری تولید غافل شد.

❖ نگاه به دولت دوخته شده است
در این میان، نگاه ها به دولت دوخته شده. کارگران انتظار دارند کسی پاسخ دهد و توضیح دهد که



عضو خانه صنعت و معدن ایران می گوید
«در تابستان ۱۴۰۳، بیش از ۴۰ درصد ظرفیت تولید فولاد کشور به دلیل قطعی برق از مدار خارج شد.» این رقم به معنای توقف میلیون ها تن تولید و میلیارد ها تومان زیان مستقیم برای صنعت فولاد است

نیروی انسانی تعدیل می شود. اما این تعدیل، فقط یک تصمیم مدیریتی نیست؛ تبعاتی دارد که صنعت را در آینده ای نه چندان دور با بحران جدی تری مواجه خواهد کرد. روغنی کلیاگانی هشدار می دهد: «در این مقطع کنونی، اگر نیروی انسانی تعدیل شود، به طور قطع برای بخش صنعت تبعاتی دارد چون باعث می شود همین نیروی انسانی به دنبال کار دیگری برود. به همین دلیل، در شرایطی که بنگاه اقتصادی بخواهد دوباره به روال عادی فعالیت اقتصادی برگردد، نمی تواند مشابه همان نیروی انسانی ماهر را پیدا کند.»

❖ سکوت سیاست گذار در مقابل هشدارها

این هشدار، تنها یک تحلیل اقتصادی نیست بلکه صدای زنگ خطری است برای آینده صنعت کشور. در سال های اخیر، بسیاری از نیروهای ماهر، به جای ماندن در خطوط تولید، به مشاغل خدماتی روی آورده اند. دلایلش ساده است؛ درآمد بیشتر، امنیت شغلی بالاتر و شاید مهم تر از همه اینکه خاموشی کار را تعطیل نمی کند. روغنی کلیاگانی می گوید: «اگر به دنبال تقویت اقتصاد در این شرایط سخت اقتصادی هستیم، ابتدا باید نیروی انسانی را حفظ کنیم.»

در این میان، پرسشی اساسی مطرح می شود: آیا سیاست گذاران، صدای این هشدارها را می شنوند و در برنامه ریزی های کلان، حفظ نیروی انسانی ماهر به عنوان سرمایه ای ملی در نظر گرفته می شود یا همچنان در سایه بحران برق، رکود و تورم، این سرمایه ها یکی یکی از دست می روند؟

شاید پاسخ این پرسش ها، آینده صنعت کشور را رقم بزند؛ آینده ای که با یا تدبیر و حفظ منابع انسانی، به سوی توسعه حرکت خواهد کرد یا با بی توجهی و تصمیمات کوتاه مدت، در چرخه ای از بحران های پی در پی گرفتار خواهد شد. بحران، فقط در خاموشی کارخانه ها و سکوت سوله ها خلاصه نمی شد. در دل همین تاریکی، صداهای غمگینی شنیده می شود، صدای مدیر تولیدی که هر روز با اضطراب، جدول خاموشی ها را مرور می کند تا شاید بتواند چند ساعت از دستگاه ها کار بکشد.



عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به بحران کمبود تکنیسین های ماهر در صنعت، هشدار داد که رکود اقتصادی و ضعف در پرداخت دستمزد ها باعث شده بنگاه ها در حفظ نیروی انسانی با مشکل مواجه شوند. او تأکید کرد که خاموشی ها و توقف تولید، منجر به تعدیل نیرو می شود اما این تعدیل، تبعات بلندمدتی دارد زیرا با خروج کارگران ماهر از صنعت، بازگشت به شرایط عادی برای بنگاه ها دشوار خواهد شد و بحران نیروی متخصص در آینده تشدید می شود

گزارش

وقتی قیمت ها سر به فلک می زنند

خرید ارزان تر، هنری که باید آموخت

در بازار گران اقلام خوراکی، خرید هوشمندانه و مقرون به صرفه به خانواده ها کمک می کند تا با بودجه محدود سفره ای پر بار تر بچینند

گروه اقتصاد | این روزها، میدان میوه و تره بار تهران به پناهگاه خانواده هایی تبدیل شده که با در آمد های کم و دلی نگران به دنبال تأمین مایحتاج روزانه شان هستند. در حالی که قیمت ها در مغازه های شهر سر به فلک کشیده و خرید یک کیلو میوه یا گوشت برای بسیاری به رویا شبیه شده، میدان به نسبت با قیمت های مناسب تر، امیدی برای سفره های کوچک شده اند. کافی است سری به میوه فروشی های مناطق مرکزی شهر بزنید؛ جایی که هر کیلو آلبالو تا ۲۹۸ هزار تومان، پسته تا ۶۸۰ هزار تومان و گوشت گوسفندی تا یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارد. این اعداد برای خانواده ای که با حقوق کارگری یا در آمد محدود زندگی می کند، چیزی جز شوک و نگرانی به همراه نمی آورد اما در میدان میوه و تره بار، تفاوت قیمت ها تا ۳۵ درصد برای میوه و ۲۹ درصد برای سبزیجات، کمکی به حال خریداران است هر چند کیفیت اقلام عرضه شده گاهی مناسب نیست. در میدان میوه و تره بار شهر داری اغلب مادران و پدران میانسال یا بازنشسته را می بینیم که با دقت خرما و گوجه انتخاب می کنند، پدر به فکر گوشت برای مهمانی آخر هفته است اما از انبه های ۲۶۸ هزار تومانی سطح شهر در این میدان خبری نیست.

کاهو (۳۹۸۰۰ تومان) و هویج (۳۹۸۰۰ تومان) به سمت غرفه گوشت می رود، البته اگر به او برسد چون صف بلندی برای خرید گوشت تشکیل شده است. اینجا، راسته گوساله بسته بندی شده کیلویی ۷۱۰ هزار تومان است، در حالی که در مغازه های شهر، همین گوشت تا ۹۰۰ هزار تومان هم قیمت دارد. تفاوت قیمت ها در میادین، به گفته بانک مرکزی، برای میوه تا ۳۵ درصد و برای سبزیجات تا ۲۹ درصد است. این تفاوت، برای خانواده هایی که هر تومان را با وسواس خرج می کنند، مثل اکسیژن است.

❖ میوه های حسرت آفرین

در مغازه های مرکزی شهر، قیمت میوه ها برای بسیاری از مردم، بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است. یک کیلو آلبالو تا ۲۹۸ هزار تومان، شلیل تا ۱۷۸ هزار تومان و گلابی تا ۲۳۰ هزار تومان. میوه های ابدار مثل هندوانه

گزارش نا نشان می دهد که با گرانی های اخیر، مردم به میدان روی آورده اند تا شاید بتوانند با بودجه محدود شان، سفره ای رنگین تر بچینند. اما این پناهگاه هم نمی تواند بار سنگین گرانی را به طور کامل سبک کند. وقتی خیار در مغازه ها تا ۸۰ هزار تومان قیمت دارد و گوشت گوساله به کیلویی یک میلیون و ۵۳۰ هزار تومان می رسد، چطور می توان امید داشت که خانواده ها متوسل و کم در آمد، زندگی را بدون دغدغه بگذرانند

❖ پناهگاهی برابر گرانی

صبح زود، در میدان میوه و تره بار ضلع جنوب غربی میدان اختیاریه شمالی صف خریداران جلوی غرفه ها شلوغ است. زن میانسالی با دقت گوچه رنگی ها را انتخاب می کند؛ هر کیلو ۳۴۸۰۰ تومان. ارزان تر از مغازه های محله اش که تا ۵۰ هزار تومان هم می رسد. کمی آن طرف تر، مردی با کیسه ای پر از



❖ تلاش برای حفظ سفره

در میدان میوه و تره بار، مردم با کیسه های پر اما دل های نگران به خانه می گردند. در ذهن شان مدام حساب و کتاب می کنند. مصادر خانواده ای که با نزدیک به دو میلیون تومان، کمی گوشت، چند کیلو سبزی و کمی میوه خریده، می دانند که این خرید، نیسی ای بود چه هفتگی اش را بلعیده است. در این میان، میدان میوه و تره بار به پناهگاهی برای قشر متوسط و کم درآمد تبدیل شده اند، جایی که می توانند با هزینه کمتر، سفره ای ساده اما آبرومند بچینند. اما حتی این پناهگاه هم نمی تواند سایه سنگین گرانی را کاملاً کنار بزند. وقتی خیار تا ۸۰ هزار تومان و پسته تا ۶۸۰ هزار تومان قیمت دارد، چطور می توان انتظار داشت خانواده ها بدون دغدغه زندگی کنند؟

این روزها، مردم در میدان فقط خرید نمی کنند بلکه می گوشت صورت خود را حتی با سیلی هم شده سرخ نگاه دارند.

نکته

با کاهش بارندگی ها، پایتخت برای حفظ منابع آب می جنگد

قطعی ۱۲ ساعته آب هشدار ی برای پر مصرف ها

با کاهش بارندگی ها و خالی شدن ذخایر سدها، صدای قطره های آب به موسیقی حسرت آلودی تبدیل شده است. حالا خانواده ها با هشدار های قطعی ۱۲ ساعته مواجه اند و ترس از روز هایی خشک تر را در دل دارند. مهر و آبان، ماه هایی هستند که شاید تهران را با بحرانی سخت تر روبه رو کنند. شرکت آب و فاضلاب تهران با ابزار هایی مثل کاهش فشار آب، نصب تجهیزات کاهنده مصرف و حتی قطع موقت آب، در تلاش است تا این بحران را مهار کند. از نصب مخازن در ساختمان های جدید تا توزیع پروشور های آموزشی، همه چیز برای صرفه جویی در آبی است که حالا از طلای مایع هم گران بها تر شده است. اما هنوز بسیاری از شهروندان برای تغییر عادات مصرف خود مقاومت می کنند؛ هنوز عده ای کف حیاط خانه را با شلنگ آب می شویند.

❖ سایه کم آبی بر پایتخت

یکی از اقدامات اصلی مسئولان کاهش فشار آب در برخی مناطق است. با کم کردن فشار، حجم کمتری از ذخایر گران بهای سدها و چاه ها استفاده شده و منابع برای روز های سخت تر ذخیره شده اند. اما این راهکار، تنها بخشی از معضل است. در ساختمان های جدید، نصب مخازن ذخیره آب و پمپ به شرطی اجباری برای دریافت اشعاب تبدیل شده است. این قانون، اگرچه برای خانه های قدیمی قابل اجرا نیست، گامی است برای اطمینان از پایداری تأمین آب در آینده.

❖ آموزش، کلید تغییر رفتار

پروشورها و پوسترهایی که در کوچه ها و مجتمع ها توزیع شده اند، به شهروندان یاد می دهند که از آب برای شستن پارکینگ و راه پله استفاده نکنند، نشی لوله ها را تعمیر کنند و زمان حمام را کوتاه تر کنند. این اقدامات ساده، اما مؤثر، می توانند مصرف را به طور چشمگیری کاهش دهند. با این حال، مقاومت برخی از شهروندان برابر تغییر عادات، چالشی بزرگ است.

❖ تجهیزات کاهنده، امیدی برای صرفه جویی

یکی از راهکار های نوید بخش، استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف است. این ابزار های کوچک که با قیمت ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان روی شیر آلات نصب می شوند، با ترکیب آب و هوا، مصرف را تا ۶۰ درصد کاهش می دهند. شیر هایی که با ۱۵ تا ۲۴ لیتر در دقیقه آب مصرف می کنند، در روشویی ها به ۴ لیتر و در ظرف شویی ها به ۸ تا ۱۰ لیتر می رسند. این تغییر، بدون کاهش محسوس فشار آب، به خانواده ها کمک می کند تا قبضه هایشان را سبک تر کنند.

❖ پر مصرف ها و قطعی آب

برای مشترکان پر مصرف که بیش از ۲۴ متر مکعب در ماه آب مصرف می کنند، قوانین سختگیرانه تری اعمال شده است. پس از سه بار اخطار، این آب مشترکان به مدت ۱۲ ساعت قطع می شود. این اقدام، اگرچه تلخ، اما برای حفظ منابع ضروری است.

❖ پایست خانه و نقش ایوان

تمام این راهکار ها برای صرفه جویی در کمتر از ده درصد آب استحصالی کشور است. جایی که نزدیک به نود درصد آب کشور در کشاورزی هدر می رود، تمرکز بر ۱۰ درصد آبی که برای شرب و بهداشت در اختیار شهروندان است به پاک کردن صورت مسئله می ماند. گیریم همه این نکات در درستی و به طور صددرصد رعایت شده، آیا فکری به حال آن نود درصد آبی کرده ایم که در کشاورزی مصرف می شود اما باز دهی آن زیر ۰٫۴ درصد است. تصمیم سازان نباید به گونه ای رفتار کنند که زیر لب بخوانیم خانه ای بست ویران است و خواجه در بند همین ۰٫۴ درصد آبی است که با قیمت گزاف در اختیار شهروندان قرار داده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و

ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین

تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و

ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

ردیف ۱- برابر رأی شماره ۸۳۷۳ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۰ هیأت دوم مالکیت خاتم تهیمین برمی اقدام به شناسنامه شماره ۵۰۴۲۴ کد ملی ۰۰۸۲۸۸۰۷۸۶ فرزندان جعفر علی نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۲٫۲۶ متر مربع پلاک شماره ۱۱۷٫۱ فرعی از ۳۶ اصلی که به پلاک ۳۶،۱۳۶۲ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت فاطمه شریفی ولدانی فرزند احمد طبق اظهار نامه ثبتی تأیید و محرز گردیده است.

ردیف ۲- برابر رأی شماره ۸۳۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۰ هیأت دوم مالکیت آقای هوشنگ شریفی ولدانی به شناسنامه شماره ۱۲۲۳ کد ملی ۱۲۸۴۶۷۲۵۷۳ فرزندان مرتضی نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۲٫۲۶ متر مربع پلاک شماره ۱۱۷٫۱ فرعی از ۳۶ اصلی که به پلاک ۳۶،۱۳۶۲ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت فاطمه شریفی ولدانی فرزند احمد طبق اظهار نامه ثبتی تأیید و محرز گردیده است.

ردیف ۳- برابر رأی شماره ۸۳۷۵ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۰ هیأت دوم مالکیت خاتم فاطمه عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۱۲۰۲ کد ملی ۱۲۸۳۵۰۹۰۳۲ فرزندان نصراله نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۲٫۲۶ متر مربع پلاک شماره ۱۱۷٫۱ فرعی از ۳۶ اصلی که به پلاک ۳۶،۱۳۶۲ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت فاطمه شریفی ولدانی فرزند احمد طبق اظهار نامه ثبتی تأیید و محرز گردیده است.

ردیف ۴- برابر رأی شماره ۸۳۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۵/۳۱ هیأت سوم مالکیت آقای رضا عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۸۸ کد ملی ۱۲۸۴۷۵۰۳۳۲ فرزندان قربانعلی در شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۷٫۴۹ متر مربع پلاک شماره ۱۲۹ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت محمد علی شریفی ولدانی فرزند حسن طبق اظهار نامه ثبتی تأیید و محرز گردیده است.

ردیف ۵- برابر رأی شماره ۸۳۷۹ مورخ ۱۴۰۴/۵/۳۱ هیأت سوم مالکیت آقای رضا عباسی ولدانی به شناسنامه شماره ۸۸ کد ملی ۱۲۸۴۷۱۸۴۲۵ فرزندان قربانعلی در شش دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۷٫۴۹ متر مربع پلاک شماره ۱۲۹ فرعی از ۳۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت محمد علی شریفی ولدانی فرزند حسن طبق اظهار نامه ثبتی تأیید و محرز گردیده است.

شهریاری

رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان

شناسه آگهی: ۱۹۷۲۵۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۲۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۲۲



سیاست

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۳۳ | چهارشنبه | ۲۲ مرداد | ۱۴۰۴ |

پیام اولین سفر برون مرزی دبیر جدید شعام به منطقه: «حفظ وحدت داخلی و مقابله با مداخلات خارجی»

دیپلماسی در دل طوفان

مأموریت، مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید تنش‌ها در غرب آسیا

علی لاریجانی در میانه موجی از بحران‌های امنیتی و سیاسی که خاورمیانه را دربر گرفته، نخستین سفر برون مرزی خود به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران را آغاز کرد. سفری که به بغداد و بیروت انجام شد فراتر از یک دیدار تشریفاتی و

پیام‌آور سیاسی روشن از سوی تهران بود. حفظ وحدت داخلی همسایگان و مقابله با هر شکلی از تفرقه‌افکنی خارجی.

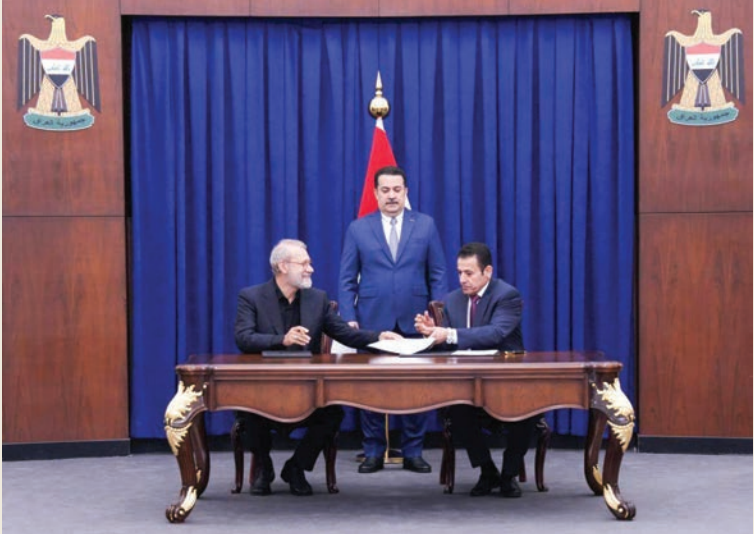
در عراق، لاریجانی با دولتی روبه‌رو شد که میان فشارها برای خلع سلاح حشد الشعبی و آماده‌سازی

حسین قاطمی

هفت صبح

سفر اخیر علی لاریجانی به عراق و لبنان، نخستین مأموریت برون‌مرزی او در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، فرصتی مهم برای بازخوانی و تبیین تحولات حساس خاورمیانه است. این سفر که در اوج تنش‌ها و تحولات امنیتی و سیاسی در منطقه انجام شد، پیام روشنی از سوی ایران برای همسایگان خود داشت ناظر بر اینکه، ضرورت حفظ ثبات داخلی و اجتناب از هر گونه اقدام یا گفتاری که به تفرقه و تشدید بحران‌ها دامن زند. در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، فضای منطقه غرب آسیا تحت تأثیر جنگ ۱۲ روزه و همچنین تحولات پیچیده در پرونده هسته‌ای ایران قرار داشت. در این میان، تهدیدات مکرر تروئیکا برای فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» هم ابعاد تازه‌ای به رقابت‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بخشیده است. در چنین

شرایطی، سفر علی لاریجانی به عراق و لبنان نشان‌دهنده حساسیت تهران نسبت به تحولات جاری و تلاش برای مدیریت بحران‌ها در همسایگی



خود است. عراق که یکی از مهم‌ترین کانون‌های ژئوپلیتیکی در مجاورت ایران و یکی از بازیگران کلیدی غرب آسیا به شمار می‌رود، در ماه‌های منتهی به انتخابات پارلمانی با چالش‌های متعددی مواجه است؛ از جمله مسائل مربوط به خلع سلاح گروه‌های مسلح غیردولتی و فشارهای بین‌المللی برای این هدف (خلع سلاح) که عملاً دولت محمد شیاع السوداني را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده است. لبنان و دولت نواف سلام نیز در بحبوحه مشکلات اقتصادی، سیاسی و فشارهای خارجی برای خلع سلاح حزب‌الله قرار دارد که محور اصلی یکی از مهم‌ترین گفت‌وگوهای لاریجانی در این سفر بود.

عراق؛ تعادل شکننده میان حشد الشعبی و دولت مرکزی

یکی از مهم‌ترین محورهای سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی، موضوع خلع سلاح نیروهای حشد الشعبی و به ویژه گروه کتائب حزب‌الله است. برخلاف لبنان، شرایط در عراق پیچیده‌تر و حساس‌تر است چراکه نیروهای حشدالشعبی بخشی از ساختار امنیتی و نظامی رسمی کشور محسوب می‌شوند و هر گونه اقدام برای خلع سلاح آنان بدون هماهنگی و توافق با دولت مرکزی،

انتخاب‌های دوشوار چین در چهارراه هسته‌ای

نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران را قطع و جهان را نسبت به وضعیت توانمندی‌های تهران «کور» کرد. دو پرسش کلیدی آینده‌راشکل می‌دهد: اول اینکه آیا آژانس می‌تواند بار دیگر به سایت‌های کلیدی ایران دسترسی یابد؟ و دوم آنکه، ایران ممکن است از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود؟ سناریوی خروج، به معنای تغییر بنیادی در معماری کنترل تسلیحات جهانی خواهد بود. در همین حال، ارزیابی‌های امنیتی آمریکا نشان می‌دهد حملات اخیر احتمالاً فقط تأخیر در برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کرده و آن را نابود نکرده است. در داخل ایران، برنامه هسته‌ای همچنان نماد حاکمیت و غرور ملی تلقی می‌شود. مقامات ارشد برادامه غنی‌سازی به عنوان «حق غیرقابل مذاکره» تأکید دارند. این موضع، همراه با تنش‌های فزاینده منطقه‌ای، احتمال آغاز مسابقه هسته‌ای در خلیج فارس را افزایش می‌دهد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز نشانه‌هایی از تمایل به توسعه ظرفیت غنی‌سازی در صورت عبور ایران از مرزهای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نشان داده‌اند.

در نهایت، جنگ ۱۲ روزه نشان داد که استراتژی سنتی چین برای مدیریت ریسک هسته‌ای، دیگر کافی نیست. اگر پکن بخواهد در شکل‌دادن به نظم نوین هسته‌ای جهانی نقش معناداری ایفا کند، باید از حالت تدافعی خارج شده و به معماری فعال این نظم بپردازد. این تصمیم، نه‌تنها آینده دیپلماسی هسته‌ای در خاورمیانه، بلکه جایگاه چین در نظام بین‌الملل را نیز تعریف خواهد کرد.

رویدادهای تابستان امسال در خاورمیانه، با اوج‌گیری تنش اسرائیل و ایالات متحده علیه ایران، نقطه عطفی خطرناک برای دیپلماسی هسته‌ای جهانی رقم زد. زمزمه بازگشت تحریم‌های «سنپیک» سازمان ملل علیه ایران در ۱۲۵ اکتبر (مهرماه)، شکاف جدی در رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را آشکار کرده و این وضعیت، چین را به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی نظم چندقطبی نوظهور، با معضلاتی تازه روبه‌رو کرده است. چین طی دو دهه گذشته تلاش کرده تا میان اصول منع اشاعه و منافع اقتصادی و انرژی خود توازن برقرار کند. توافق برجام در سال ۲۰۱۵ فرصتی برای گسترش سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران و تقویت نقش آن در حل بحران‌های هسته‌ای ایجاد کرد. با این حال، رویکرد «ابهام‌استراتژیک» پکن در قالب حمایت از حق فناوری هسته‌ای ملج‌آمیز همراه با مخالفت با تسلیحاتی شدن، در عمل آن را در برابر انتقاد غرب قرار داده و نقش میانجی‌گرانه‌اش را پیچیده کرده است. حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، این تعادل را به‌هم زد. موضع‌گیری دیپلماتیک صریح‌تر چین، از محکومیت حملات تا حمایت از «حق دفاع ایران»، نشان‌دهنده چرخشی نسبی در سیاست این کشور بود. با این حال، اقداماتی فراتر از بیانیه‌های سیاسی دیده‌شد و پکن ابتکار عملی برای بازگرداندن ایران به مسیر شفافیت هسته‌ای ارائه نکرد.

فروپاشی نظارت بین‌المللی و سناریوهای نگران‌کننده

پس از حملات، ایران همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تعلیق و دسترسی بازرسان را محدود کرد. دو شرط تهران برای از سرگیری همکاری، ذیل تضمین امنیت زیرساخت‌های هسته‌ای و به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی با مخالفت عملی جامعه جهانی مواجه شد. خروج بازرسان آژانس، عملاً آخرین رشته

سفر اخیر علی لاریجانی به عراق و لبنان، نخستین مأموریت برون‌مرزی او در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، فرصتی مهم برای بازخوانی و تبیین تحولات حساس خاورمیانه است

سفر اخیر علی لاریجانی به عراق و لبنان، نخستین مأموریت برون‌مرزی او در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، فرصتی مهم برای بازخوانی و تبیین تحولات حساس خاورمیانه است. این سفر که به بغداد و بیروت انجام شد فراتر از یک دیدار تشریفاتی و

پیام‌آور سیاسی روشن از سوی تهران بود. حفظ وحدت داخلی همسایگان و مقابله با هر شکلی از تفرقه‌افکنی خارجی.

در عراق، لاریجانی با دولتی روبه‌رو شد که میان فشارها برای خلع سلاح حزب‌الله و آماده‌سازی، وضعیت پیچیده‌تری را تجربه می‌کند. لبنان و دولت نواف سلام نیز در بحبوحه مشکلات اقتصادی، سیاسی و فشارهای خارجی برای خلع سلاح حزب‌الله قرار دارد که محور اصلی یکی از مهم‌ترین گفت‌وگوهای لاریجانی در این سفر بود.

لبنان؛ فشارهای خارجی و مقاومت در برابر خلع سلاح

در لبنان، موضوع خلع سلاح حزب‌الله به یکی از محورهای کلیدی فشارهای خارجی طی هفته‌های اخیر تبدیل شده است. از یک‌سو، ایالات متحده و برخی کشورهای غربی و عربی با تکیه بر تحریم‌ها و دیپلماسی فشار، سعی دارند نفوذ و توان نظامی این جریان را کاهش دهند. از سوی دیگر هم، لبنان با بحران اقتصادی و سیاسی عمیقی مواجه

است که وضعیت را پیچیده‌تر کرده، دبیر شورای عالی امنیت ملی جدید ایران در دیدارهای خود با مقامات لبنانی تلاش دارد بر احترام کامل ایران به حاکمیت ملی این کشور (لبنان) و تصمیمات دولت و مردم لبنان تأکید کند. این رویکرد، پاسخی به نگرانی‌های مقامات بیروت بود که نسبت به مداخلات خارجی در امور داخلی لبنان حساسیت دارند.

طیفی از ناظران اعتقاد دارند که آمریکا به دنبال استفاده از موضوع خلع سلاح حزب‌الله به عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر دولت لبنان است، به ویژه در شرایطی که اسرائیل نیز حضور نظامی خود را در برخی مناطق راهبردی مرزی با لبنان حفظ کرده است. بااین حال، حزب‌الله و متحدانش در لبنان با آگاهی از اهمیت حفظ توان دفاعی، این فشارها را ناکام گذاشته‌اند.

پیام تهران؛ ثبات منطقه در گرو اتحاد داخلی و پرهیز از مداخلات خارجی
پیام محوری سفر لاریجانی به عراق و لبنان، تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و ثبات داخلی در هر دو کشور است. تهران معتقد است که هر گونه اختلاف داخلی و بحران‌سازی، نه‌تنها به زیان دولت‌ها و ملت‌های منطقه خواهد بود، بلکه زمینه را برای مداخلات خارجی و افزایش ناامنی فراهم می‌کند. دیپلماسی تهران در این سفر به دنبال انتقال این پیام بوده که ایران آماده حمایت از ثبات و امنیت همسایگان خود است و در عین حال، از هر گونه اقدام یا گفتاری که منجر به شکاف و تنش شود، به شدت پرهیز می‌کند. این رویکرد در شرایطی اهمیت دارد که منطقه خاورمیانه در حال تجربه تحولات سریع و پیچیده‌ای است و حفظ امنیت و ثبات می‌تواند عامل بازدارنده در برابر تهدیدهای بیرونی باشد.

چالش‌ها و چشم‌اندازها؛ مأموریت دشوار در منطقه‌ای پر تلاطم

با وجود پیام‌های مثبت و تلاش‌های دیپلماتیک، چالش‌های پیش‌رو ایران در عراق و لبنان بسیار بزرگ است. در عراق، روند خلع سلاح گروه‌های مسلح، مسئله‌ای است که نیازمند توافق و همکاری همه طرف‌هاست و نمی‌توان آن را به‌زور

تحلیل

تخت‌روانچی: محدودیت‌های موقت هسته‌ای برابر لغو کامل تحریم‌ها

بازگشت محتاطانه به میز مذاکره



پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش‌های جدید، ایران برای تعامل هسته‌ای

پیش‌زمینه تحولات اخیر در همکاری ایران و آژانس اعلام آمادگی تهران برای مذاکره، نه‌تنها در سطح دوجانبه، بلکه در چارچوب روابط منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت فراوانی دارد. پس از حملات ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، منطقه در وضعیت تنش بالایی قرار گرفته و هر گونه پیشرفت در این حوزه می‌تواند نقش مهمی در کاهش این تنش‌ها ایفا کند. از منظر منطقه‌ای، ایران تلاش می‌کند با تثبیت برنامه هسته‌ای خود و همزمان نشان دادن انعطاف در مذاکرات، پیام روشنی به همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای بفرستد که آماده حفظ ثبات و جلوگیری از تشدید بحران‌هاست. این رویکرد می‌تواند مانع از تسری تنش‌ها به حوزه‌های دیگر شود و زمینه را برای گفت‌وگوهای امنیتی و همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کند. در سطح بین‌المللی نیز، این گام‌ها با استقبال نسبی همراه شده و ممکن است به عنوان فرصتی برای احیای دیپلماسی هسته‌ای تلقی شود. این روند، ضمن کاستن از احتمال تشدید تحریم‌ها و فشارها، می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت تدریجی ایران به اقتصاد جهانی و کاهش تنش‌های سیاسی شود اما همزمان، فضای عدم اعتماد و اختلاف‌نظرهای عمیق همچنان چالشی بزرگ پیش‌روی طرفین باقی می‌ماند.

سفر اخیر معاون مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به تهران در روز دوشنبه، به‌رغم آنکه ظاهراً برای بازدید یا بازرسی نبوده، نقطه عطفی در روابط ایران و آژانس به‌شمار می‌رود. مطابق گفته عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان، این دیدار به منظور ترسیم یک شیوه‌نامه جدید همکاری انجام شده است. این تحول در پی تجاوز ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران روی داده که فضای امنیتی و سیاسی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این شیوه‌نامه جدید می‌تواند نقطه تعادلی برای هر دو طرف باشد تا ضمن حفظ حقوق و مصالح امنیتی ایران، شرایط لازم برای نظرات‌های آژانس حفظ شود. ایران با این رویکرد می‌کوشد از تکرار شرایط پر تنش و برخورد‌های نظامی احتمالی جلوگیری کند. در حالی که آژانس نیز به دنبال راهی برای تضمین شفافیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. به عبارتی، این همکاری می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی اعتماد نسبی بین تهران و جامعه بین‌الملل باشد و مانع از تحمیل اقدامات تنبیهی یا محدودکننده بیشتر شود.

علاوه بر این، این شیوه‌نامه جدید، واکنشی به شرایط جدید پس از تجاوز است که نشان‌دهنده تغییر رویکرد ایران نسبت به تعاملات خود با نهادهای بین‌المللی هسته‌ای است. ایران با تأکید بر حق حاکمیت و حفظ دستاوردهای هسته‌ای، خواهان تعیین چارچوبی مشخص و غیرسیاسی برای همکاری با آژانس است. در این چارچوب، آژانس نیز باید به حساسیت‌های امنیتی ایران توجه داشته باشد تا مذاکرات و همکاری‌ها به نتیجه‌ای سازنده ختم شود.

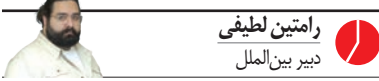
آمادگی ایران برای مذاکرات و انعطاف محدود هسته‌ای در ازای لغو تحریم‌ها

در شرایطی که تهران سعی دارد شیوه‌نامه جدید همکاری با آژانس را تعریف کند، اظهارات اخیر مجید تخت‌روانچی معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران، حاوی پیام‌هایی مهم درباره شرایط جدید تهران

بومگردی و انسان در جهان مدرن

بازار جهانی اکوتوریسم در سال ۲۰۲۵ با رشدی ۱۳.۱ درصدی به ارزش ۲۷۹ میلیارد دلار رسیده

و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۹ به ۴۹۷ میلیارد دلار صعود کند



در جهانی که آگاهی زیست‌محیطی به اوج خود رسیده، بومگردی دیگر تنها یک سبک سفر نیست، بلکه به جنبشی جهانی برای حفاظت از سیپاره و تقویت جوامع محلی تبدیل شده است. این نوع گردشگری که بر سفر مسئولانه به مناطق طبیعی، حفظ محیط زیست و بهبود زندگی مردم بومی استوار است، در سال‌های اخیر با شتابی شگفت‌انگیز رشد کرده است. بر اساس آمارهای به‌روز، بازار جهانی اکوتوریسم در سال ۲۰۲۴ با ارزش ۲۴۶.۹۹ میلیارد دلار ثبت شد و در سال ۲۰۲۵ با جهشی ۱۳.۱ درصدی به ۲۷۹.۴۱ میلیارد دلار رسید. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این بازار تا سال ۲۰۲۹ با نرخ رشد سالانه ترکیب ۱۵.۵ درصدی به ۴۹۷.۶۵ میلیارد دلار و تا ۲۰۳۲ به ۹۰۶.۴۱ میلیارد دلار خواهد رسید که این رشد به‌طور عمده به افزایش آگاهی از رد پای کربنی و علاقه روزافزون به تجربه‌های اصیل فرهنگی و طبیعی بازمی‌گردد.

بومگردی که از دهه ۱۹۸۰ با معرفی این مفهوم در کتاب‌ها آغاز شد، اکنون دامنه‌ای گسترده از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد: تورهای کوچک سفرهای گردی، پیاده‌روی در دل جنگل‌های بکر، سفرهای دریایی اکولوژیک، کاشت درخت، اقامت در اکولواژهای سازگار با محیط زیست، غواصی در اقیانوس‌ها، تماشای حیات‌وحش در زیستگاه‌های طبیعی و حتی

عکس روز

کوهی که کتاب می‌زاید

کتابفروشی صخره‌ای هچی چین، سالانه با جذب هزاران گردشگر و عاشق کتاب به نمادی

از ادغام فرهنگ و طبیعت تبدیل شده است

در عمق صخره‌ای با قدمت ۱۰۰ میلیون سال در شهر هچی استان گوانگشی چین، کتابفروشی منحصر‌به‌فردی به نام «کتابفروشی صخره‌ای» یا «میان هوا تیان کنگ» جان گرفته که گویی از دل افسانه‌های چینی بیرون آمده است. این مکان شگفت‌انگیز، در لبه یک گودال عظیم طبیعی در شهرستان خودمختار لوچنگ مائوئو ساخته شده و با قفسه‌های کتابی که به‌طور مستقیم و بی‌واسطه به دیواره سنگی چسبیده‌اند، منظره‌ای خیره‌کننده خلق کرده است. مسیرهای چوبی پیچ‌در‌پیچ، پل‌های معلق و پله‌های پرپیچ‌وخم، بازدیدکنندگان را به چالش می‌کشند تا برای رسیدن به این پناهگاه ادبی، از میان کوهستان‌ها و دره‌های بکر عبور کنند، تجربه‌ای که بیش از یک خرید کتاب، به ماجراجویی و گردشگری پرهیجان شبیه است.

این کتابفروشی نه‌تنها محلی برای فروش کتاب‌های متنوع از جمله آثار کلاسیک چینی، رمان‌های مدرن و کتاب‌های نایاب است، بلکه فضایی برای مطالعه آرام در دل طبیعت را نیز فراهم می‌کند. بازدیدکنندگان می‌توانند در حالی که نسیم خنک کوهستانی می‌وزد، کتابی بردارند و در حالی که از منظره گودال عمیق لذت می‌برند، زمان خود را با مطالعه مزین کنند. ایده ساخت این کتابفروشی به تلاش‌های محلی برای احیای گردشگری فرهنگی بازمی‌گردد؛ جایی که صخره‌های باستانی با معماری مدرن ترکیب شده تا یک جاذبه جهانی خلق شود. از زمان افتتاح آن، هزاران گردشگر از سراسر جهان، از جمله عاشقان کتاب و ماجراجویان، به این مکان هجوم آورده‌اند. برخی برای یافتن نسخه‌های کمیاب ادبیات چینی می‌آیند، در حالی که دیگران تنها برای عکاسی از این «دیوار سنگی کتاب» و اشتراک‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی جذب می‌شوند. این مکان همچنین رویدادهایی مانند شب‌های شعر خوانی، کارگاه‌های داستان‌نویسی و تورهای هدایت‌شده طبیعت‌گردی بر گزار می‌کند که

کیوسک



Trump: Troops must 'rescue' D

Natural Gas at the low

Longtime friendship grows festive

A RECORD YEAR FOR

FLOODS

Texas youth hockey faces struggle

Infants from face of

یواس‌ای تودی آمریکا، تیتز اصلی خود را به دستور جنجالی و عجیب ترامپ مبنی بر استقرار نیروهای فدرال و گارد ملی در واشنگتن دسی و نجات پایتخت از چادر نشینان اختصاص داد.

فاینشنال تایمز انگلیس، تیتز اصلی خود را به صدور مجوز از جانب دونالد ترامپ به انویدیا به منظور صادرات آزادانه چیپ‌های مورد نیاز در توسعه هوش مصنوعی به چین اختصاص داد.



ریمو دوباره به میدان می‌آید؛ این بار در قالب یک پیش‌درآمد با بازی نوآ سنتینیو که قرار است اواسط ۲۰۲۶ در تایلند فیلمبرداری شود. کارگردانی این اثر برعهده بالماری هالندر خالق سیسو است و فیلمنامه را روری هینز و سهراب نوشیروانی نوشته‌اند. داستان، به سال‌های جوانی جان ریمو در جنگ ویتنام می‌پردازد؛ شخصیتی که نخستین‌بار در رمان «اولین خون» خلق شد و با بازی سیلوستر استالونه در پنج فیلم پرفروش، به یکی از نمادهای سینمای اکشن بدل گشت. ریمو، فراتر از یک قهرمان عضلانی، تصویری ماندگار از سربازی زخم‌خورده است که در برابر جهانی بی‌رحم ایستاده. این مجموعه تاکنون بیش از ۸۰۰ میلیون دلار فروش جهانی داشته و الهام‌بخش ده‌ها اثر اکشن دیگر بوده است. هرچند استالونه در این پروژه حضور ندارد اما میراث سینمایی او همچنان سایه‌ای سنگین بر این نقش خواهد داشت؛ نقشی که حالا قرار است در چهره‌ای جوان، دوباره با تماشاگران روبه‌رو شود. از این رو، نوآ سنتینیو بار سنگینی روی شانه‌هایش حس خواهد کرد.

پنگه دنیا

وفاداری رنگ‌باخته

پیوند شهروندان ایالات متحده به محصولات «ساخت آمریکا» در سه سال اخیر ۱۰ واحد کاهش یافته و از ۶۰ به ۵۰ درصد رسیده است



اولویت اصلی همچنان قیمت است. در اقتصادهای نوظهور مانند هند و چین، وفاداری به تولید داخلی در حال رشد است، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مثل آمریکا و اروپا، فشار قیمتی تمایل به محصولات محلی را کاهش داده است. برای سیاست‌گذاران و تولیدکنندگان، پیام این تحولات واضح است: دیگر نمی‌توان تنها با پررنگ کردن شعار «ساخت آمریکا» سهم بازار گرفت. موفقیت در این میدان یعنی ترکیب ملیت محصول با کیفیت بالا، خدمات پس از فروش مطمئن، قیمت رقابتی و ویژگی‌های پایدار. برندهایی که بتوانند این فرمول را پیاده کنند، می‌توانند هم وفاداری نسل‌های قدیمی‌تر را احیا کنند و هم نسل‌های جوان را به مشتریان ثابت خود تبدیل کنند.

در نهایت، داستان «وفاداری رنگ‌باخته» بیش از آنکه روایتی از شکست یک کمپین ملی باشد، نشانه بلوغ بازار و تغییر انتظارات مصرف‌کنندگان است. در جهان به‌هم‌پیوسته امروز، ملیت دیگر تنها پرچم یک محصول نیست، بلکه یکی از چندین شاخصی است که مشتریان قبل از خرید می‌سنجند. شاید این همان نقطه‌ای باشد که صنعت آمریکا را به سمت نوآوری‌های جدی‌تر و رقابتی‌تر سوق دهد.

کنیم، داستان جذاب‌تر می‌شود. بیبی‌بومرها (افراد بالای ۵۵ سال) که سال‌ها مدافع پرشور «خرید آمریکایی» بودند، بیشترین ریزش را تجربه کرده‌اند و از ۶۹ به ۴۷ درصد رسیده‌اند. برای نسلی که درآمد ثابت یا حقوق باز‌نشستگی دارد، هر درصد افزایش قیمت به‌طور مستقیم روی سبد معیشت و سفره‌شان اثر می‌گذارد. در سوی دیگر، نسل زد و میلنیال‌ها اندکی افزایش تمایل از ۴۹ به ۵۰ درصد نشان داده‌اند. این نسل‌ها که اغلب دغدغه محیط زیست و حمایت از اشتغال محلی دارند، بر چسب «ساخت داخل» را در صورتی ارزشمند می‌دانند که با شواهدی از پایداری و مسئولیت اجتماعی همراه باشد. مطالعات مک‌کینزی و دلویت تأیید می‌کند که «قیمت» همچنان پادشاه تصمیم‌خرد است. ۴۳ درصد آمریکایی‌ها آن را معیار شماره یک می‌دانند و ۲۹ درصد، سیاست‌های تعرفه‌ای را عامل گرانی معرفی می‌کنند. بیش از نیمی از خریداران نیز ادعا‌ن دارند که به‌خاطر فشار هزینه‌ها به سمت برندهای ارزان‌تر رفته‌اند، حتی اگر آن برندها جای باشند. این روند محدود به ایالات متحده نیست. بر اساس گزارش پی‌دبلیوسی، در سال ۲۰۲۵ حدود سه‌چهارم مصرف‌کنندگان جهان کشور مبدا را مهم می‌دانند اما

البته این تغییر نگرش در خلأ رخ نداده است. فضای اقتصادی امروز آمریکا پر از چالش‌های ملموس برای مصرف‌کنندگان است. داده‌های اداره آمار کار نشان می‌دهد نرخ تورم مصرف‌کننده در ژوئن ۲۰۲۵ به ۲.۷ درصد رسیده که بالاترین رقم در چهار ماه اخیر است. عامل اصلی این افزایش، رشد قیمت سوخت و تأثیر زنجیره‌ای تعرفه‌ها بر واردات از چین و اروپا بوده است؛ تعرفه‌هایی که دولت با هدف حمایت از تولید داخلی وضع کرده اما در عمل، بخشی از هزینه را به دوش مصرف‌کننده نهایی انداخته است. گزارش تصویری «کسیوس وپژوالز» کاهش تمایل به خرید از کشورهای مختلف را به‌خوبی مستند کرده است: آمریکا از ۶۰ به ۵۰ درصد، ژاپن و بریتانیا از ۲۱ به ۱۶ درصد، آلمان از ۱۷ به ۱۳ درصد، فرانسه از ۱۷ به ۱۲ درصد، مکزیک از ۱۷ به ۱۱ درصد و چین از ۱۲ به ۹ درصد. این افت عمومی نشان می‌دهد که معیار ملیت محصول در خرید، جای خود را به فاکتورهای عملی‌تری مانند قیمت نهایی، کیفیت خدمات و پایداری محیطی داده است؛ فاکتورهایی که در بازار جهانی امروز اهمیت مرزها را کمرنگ کرده‌اند.

وقتی داده‌ها را بر اساس گروه‌های سنی بررسی

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



علت طلاق هالی بری و همسرش: آشنیزی و نظافت خانه!

دیوید جاستیس، همسر سابق هالی بری، در گفت‌وگویی جنجالی با یک پادکست مدعی شد که دلیل جدایی‌اش از این ستاره هالیوود، ناتوانی او در انجام وظایف «مادرانه» مانند آشپزی و نظافت بوده است. این زوج که در سال ۱۹۹۳ ازدواج کردند، تنها سه سال بعد راه خود را از هم جدا کردند. جاستیس، ورزشکار سابق اهل غرب میانه آمریکا، در این مصاحبه گفت: «من به مادرم نگاه می‌کردم و انتظار داشتم همسر من هم مثل او آشنیزی و نظافت کند. وقتی دیدم هالی این کارها را انجام نمی‌دهد، احساس کردم او برای مادر شدن و تشکیل خانواده مناسب نیست.» او افزود که بری تنها ۵ ماه پس از آشنایی، پیشنهاد ازدواج داده و او از ترس ناراحت کردن این بازیگر سرشناس، با او از در خواست ازدواجش را پذیرفته است. این اظهارات در حالی مطرح شده که هالی بری پیش‌تر از بدرفتاری جسمانی شدید همسران سابقش سخن گفته بود. جاستیس اما اتهامات را رد کرد و گفت: «همه فکر کردند من همان کسی هستم که باضربه به سرش باعث کاهش شنوایی او شدم اما این حقیقت ندارد.» هالی بری تاکنون واکنشی به این ادعاهای جنجالی نشان نداده است. این افشاگری‌های «زن گربه‌ای» و «یک روز دیگر بمیر» را در مرکز توجه و پیچ‌پچه‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قرار داده است.

این افشاگری‌های «زن گربه‌ای» و «یک روز دیگر بمیر» را در مرکز توجه و پیچ‌پچه‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قرار داده است.

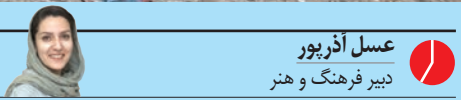
پایزن



در پی دستورالعمل ثبت جنگ در عرصه سینما

جنگ داغ داغ مقابل دوربین رفت

- وزارت فرهنگ و ارشاد طی ابلاغ دستورالعملی به سازمان های زیرمجموعه خود به دنبال ثبت نخستین دستاوردهای عینی از جنگ است
- بر اساس فراخوان بنیاد فارابی، هنرمندان فقط ۲۸روز پس از اعلام آتش بس فرصت داشتند تا اثری هنری اعم از طرح، ایده یا حتی فیلمنامه خلق کنند
- سینماحقیقت فقط ۲ ماه و ۲۳ روز بعد از پایان جنگ بر گزار می شود و در این مدت امکان ساخت اثر ناممکن است



عسل آذریپور

دبیر فرهنگ و هنر

جنگ می دراند، می گسلاند، جنگ سلاخی می کند و دل و روده ها را بیرون می کشد. جنگ می سوزاند. جنگ تکه تکه می کند. جنگ ویران می کند.

جنایت همه چیز را با سرعت به شی تبدیل می کند شاید جملات بالا، حالا که یک ماه و ۱۹ روز از جنگ گذشته برای ما معنای دیگر داشته باشد؛ معنایی بیشتر از ۳ هزار ماه که سحر گاهش با اعلام آتش بس، جنگی ۱۲ روزه به پایان رسید. حتی معنایی پر رنگ تر از ۲۲ سال پیش، زمانی که سوزان سانتاگ کتاب «نظر به درد دیگران» را نوشت و برای نخستین بار چاپ و به جهان عرضه کرد. سانتاگ در این

۲۸روز برای به تصویر کشیدن جنگ!

با وجود خاطره زنده ما از جنگ، بسیاری سریع تر از آنچه به نظر می رسید دست به کار شدند. بنیاد سینمایی فارابی، نخستین سازمان بود. تنها ۱۸ روز پس از پایان جنگ ۱۲ روزه، فارابی فراخوانی منتشر کرد و فیلمنامه نویسان را به ارسال فیلمنامه هایی با موضوع جنگ اخیر دعوت کرد. فارابی در متن فراخوان خود، از تصمیمش برای ساخت فیلم های سینمایی گفت. هدف فارابی تولید آثار ارزشمند از مقاومت، شجاعت، وحدت و همدلی مردم برابر دشمن بود. آن چه از نظر فارابی به عنوان یکی از مهم ترین و حساس ترین دوران تاریخ معاصر ایران شناخته شد، قابلیت بالایی برای روایت داستان های انسانی، تاریخی و حماسی داشت که باید در قاب سینما ماندگار می شد. فارابی مهلت ارسال را آخرین روز تیرماه اعلام کرد؛ اینا به فراخوان فارابی، هنرمندان سینما، فقط ۲۸ روز پس از اعلام آتش بس فرصت داشتند تا اثری اعم از طرح، ایده یا حتی فیلمنامه خلق کنند!

زمان اندک، فراخوانی برای مردمی که جنگ را ثبت کردند

یک هفته بعد، مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی نیز در فراخوانی که برای نوزدهمین جشنواره بین المللی سینماحقیقت منتشر کرد، از پرداخت به آثار مرتبط به جنگ ۱۲ روزه در این دوره خبر داد.

جشنواره سینماحقیقت، تصمیم گرفت که فقط ۲۵ روز بعد از پایان جنگ، بخش «ایران» را برای نخستین بار به جشنواره اضافه کند. بخشی که در آن، مستندهایی از روزهای جنگ در آن مورد ارزیابی قرار می گرفتند. مستندهای موردنظر این جشنواره شامل تصاویر دوربین مردم بود که از مقاومت مدنی، همبستگی اجتماعی و زیست روزمره در بستر بحران روزهای جنگ تصویر ثبت کرده بودند. تفاوت فراخوان سینماحقیقت با بنیاد سینمایی فارابی این بود که این جشنواره فقط ۲ ماه و ۲۳ روز بعد از پایان جنگ بر گزار می شود و در این زمان امکان ساخت اثر برای هنرمندان ناممکن به نظر می رسد.

دستاوردهنری یا پرداختن به مقطع حساس کنونی

با توجه به این دو فراخوان و زمان انتشارشان، چنین به نظر می رسد که وزارت فرهنگ و ارشاد طی یک دستورالعمل که به سازمان های زیرمجموعه خود ابلاغ کرده به دنبال نخستین دستاوردهای عینی از جنگ است. همان طور که وزیر فرهنگ و ارشاد به وقت حضور در مجلس برای پاسخگویی از عملکرد یکساله وزارتخانه اش نیز به مجموعه اقدامات سازمان های تابعه خود در جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد و دستاورد در حال اجرای خود را تولید آثار در شاخه های مختلف سینمایی، از فیلم بلند تا مستند و کوتاه دانست.

دستورالعمل های کاغذی، اجرای عاجل

اما این سرعت عمل سوالات فراوانی را ایجاد می کند.

اینکه آیا برای نمایش تصویر جنگ دستورالعمل ها یا فراخوان ها به درستی عمل می کنند؟ آیا برای ثبت

عطش سریع ترین ثبت تصاویر درد دیگران

سوزان سانتاگ هدف از نمایش پلیدی بی رحمانه در مصائب جنگ را، هشدار دادن، شوکه کردن و آسیب رساندن به بیننده می داند. «تصویرنگاری رنج، قدمتی طولانی دارد. اغلب در گذشته، رنجی که به طور پیش فرض ارزش نمایش دادن داشت محصول خشم و غضب الهی یا بشری بود. دنیای مدرن و باور اخلاقی غالبش بر این تفکر استوار است که اگر جنگ متوقف شدنی نیست، پس ناهنجار است و اگر صلح در دسترس نیست پس هنجار است. چگونه می توان به جای تاکید بر رنج به وجود آن اعتراض کرد؟» او در علاقه زیاد به تصویر کشیدن جنگ و رنج، پای هنر را به میدان می کشد، «به نظر می رسد هنر گویا، نقطه تحولی در تاریخ عواطف اخلاقی و اندوه باشد؛ همان قدر عمیق و اصیل و طاقت فرسا؛ با هنر گویا،



برهه حساس تاریخ کنونی، زمان کافی وجود داشته است؟ آیا هنرمندان که هم قدم با مردم جنگ را احساس کرده اند، به فهمی از این جنگ رسیده اند؟ این سوالاتی بود که پس از اعلام فراخوان فارابی

ملاک نوینی برای واکنش به رنج به عرصه هنر پا گذاشت. «سانتاگ در نهایت ثبت تصاویر جنگ را «سریع ترین و درعین حال سطحی ترین راه برای بیان اغتشاش درونی حاصل از تماشا» برمی شمارد که به اندازه ای بی نقص ثبت شده که دیگر جایی برای انکار باقی نمی ماند. با وجود عطش در ثبت لحظات درد دیگران، سانتاگ معتقد است که «خاطره هر جنگ مانند تمام خاطره ها بیشتر در اذهان ملت در گیر با آن باقی می ماند.»

جنگی که هنوز در ذهن ما ادامه دارد

جنگ در جهان مدرن امروز، به واقعهای غیرقابل انکار و غیر قابل رخداد تبدیل شده است. اتفاقی که نه دنیای دیرین و نه عصر مدرن نتوانست، راهی برای جلوگیری از آن پیدا کند. جنگ دیگر برای هیچ مردمی از هیچ سرزمینی غریب

از این بنیاد پرسیده شد؛ همراه با سوالاتی دیگر چون، دستورالعمل پرداخت به جنگ ۱۲ روزه با چه رویکردی در ساختار فارابی قرار گرفته است؟ آیا برای فهم این جنگ با توجه به ساختار متفاوت و مدرن اش نسبت به آنچه پیش تر در دوران هشت سال دفاع مقدس تجربه شده و بارها ساخته شده بود، تفکری شکل گرفته است؟ اصولا پرداختن به انتفاض بزرگی چون جنگ که بیش از لحظات نبرد، بحران عظیمی برای مردم یک جامعه ایجاد می کند، زمان اندیشیدن و تحلیل به اندازه کافی وجود داشته است؟ البته به اغلب این سوالات پاسخی داده نشد. تنها پاسخ دریافتی از دو مسئول بنیاد سینمایی فارابی این بود: «فقط یک فراخوان منتشر شده است، سایر اخبار متعاقبا اعلام خواهد شد» چنین به نظر می رسید دستورالعمل ابلاغی و اجرای آن بدون پیش فرض و تفکر راهبردی آغاز شده است.

فیلمی که یک ماه و ۱۹روز زمان لازم داشت!

در حالی که هیچ پاسخ روشنی برای یک فراخوان گسترده وجود نداشت و هنوز این سوال مطرح بود که چطور می توان سراغ جنگ ۱۲ روزه رفت؛ به تازگی خبر رسید که یک نفر پیش از هر فیلمساز دیگر، پیش از هر فراخوانی و حتی پیش از رسیدن تصاویر مستند مردم به جشنواره سینماحقیقت؛ فیلمی با موضوع جنگ اخیر مقابل دوربین می برد.

خبر حتی از آغاز یا پایان نگارش فیلمنامه هم نبود؛ محمدحسین مهدویان فیلم خود را ۲۰ مرداد کلید زد! فیلم «ماجرای نیمه شب» با فیلمنامه مشترکی از مهدی یزدانی خرم و اعظم بهروز که تنها در یک ماه و ۱۹ روز نوشته شده، با تهیه کنندگی حبیب والی نژاد و به عنوان محصولی از موسسه تصویرشهر در قالب تازه ترین اثر مهدویان ساخته خواهد شد.

جنگی که زندگی می شود، کلید خورد

چنین به نظر می رسد اصرار وزارت فرهنگ و ارشاد و حتی موسسات زیرمجموعه شهرداری برای اجرای دستورالعمل های واصله در ثبت وقایع جنگ ۱۲ روزه در قاب تولیدات سینمایی، قدرتمندتر از ثبت برشی از تاریخ معاصر کشور است. ساخت اثری از جنگی که هنوز بخش واقعی و زنده خاطرات مردم است، فقط می تواند از دستورالعمل های بالادستی و با توجه به کشش جادوی پرده نقره ای آمده باشد. همان طور که سوزان سانتاگ نوشت: «سریع ترین و درعین حال سطحی ترین راه برای بیان اغتشاش درونی حاصل از تماشا، که به اندازه ای بی نقص ثبت شده که دیگر جایی برای انکار باقی نمی ماند.» گویا جنگ، اینجا هم بیش از جنایت به شی تبدیل شده است، شی ای که هنوز برای مردم درگیر در جنگ واقعی تر است. در میان زندگی روزمره آنان و لحظاتی که هنوز هم با خاطره زنده جنگ اخیر می گذرانند.

گزارش

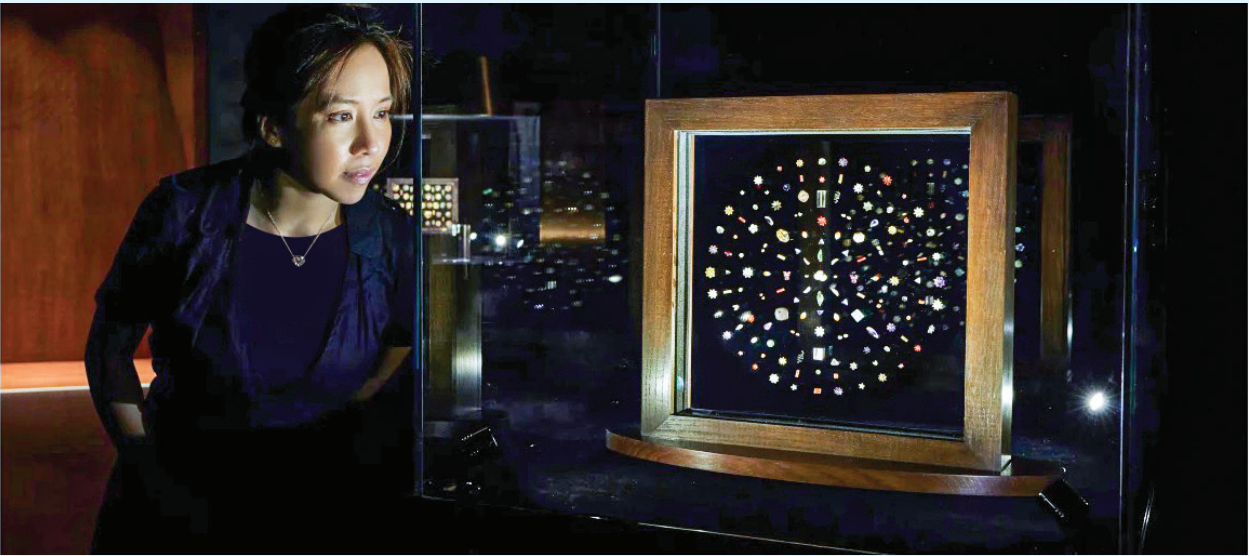
بی پولی و میراث تمدنی در غربت

ساتییز، مجموعه جواهرات باستانی را به دولت هند باز گرداند

گروه فرهنگ و هنر | روزنامه هنر لندن، در گزارشی اعلام کرد که حراجی «ساتییز» مجموعه ای از جواهرات باستانی منسوب به بقایای بودا را که به نام «جواهرات پیراهو» شناخته می شود، با فشار و پیگیری های حقوقی دولت هند بازگردانده است. فروش این گنجینه تاریخی که قرار بود ماه مه در هنگ کنگ به مزایده گذاشته شود با مداخله قانونی وزارت فرهنگ هند، متوقف شد. نازندرا مودی، نخست وزیر هند، در پی این موفقیت در پیامی در شبکه اجتماعی «یکس» نوشت: «روزی شادی بخش برای میراث فرهنگی ما! مایه افتخار هر هندی است که پس از ۱۲۷ سال، یادگارهای مقدس پیراهو، وابسته به بقایای پیکی حضرت بودا، به خانه بازگشته اند. این آثار گواه پیوند عمیق هند با حضرت بودا و آموزه های والای اوست و همچنین تعهد ما را به حفظ و پاسداشت جنبه های گوناگون فرهنگ باشکوه مان نشان می دهد.»

وزارت فرهنگ هند در اظهاریه ای حقوقی که کمی پیش از زمان تعیین شده به ساتییز ارسال کرده بود، تأکید داشت این جواهرات باید همچون پیکی مقدس بودا تلقی شوند. این آثار بخشی از «میراث دینی و فرهنگی غیر قابل انتقال هند و جامعه جهانی بودایی» هستند و فروش آن ها «نقض قوانین هند و مقررات بین المللی و همچنین کنوانسیون های سازمان ملل» محسوب می شود. در این نامه همچنین هشدار داده شده بود که فروش این آثار به معنای «تداوم بهره کشی استعماری» است. ساتییز پس از این استرداد اعلام کرد «خوشحال است که توانسته بازگشت این آثار را تسهیل کند.»

استرداد تاریخی ایران، درگیر بودجه های کلان انتشار خبر بازگشت جواهرات پیراهو به بمبئی، یادآور گنجینه های بسیاری است که سال هاست در گبرودار بازگشت به ایران بودند و بسیاری دیگر که هنوز به ایران



کرد و پرونده حتی به مجلس اعیان بریتانیا رسید. نتیجه پیروزی در این پرونده حقوقی بود و حکم بازگشت آثار داده شد. این موفقیت، یکی از مهم ترین نمونه های پیروزی حقوقی ایران در عرصه بین المللی بود.

آجرهای لعاب دار بوکان و بازگشت

پس از ۳۰ سال

دهه ها آجر لعاب دار قلاچچی بوکان که در سال های آغازین انقلاب قاچاق شده بود، پس از سال ها گردش در دست مجموعه داران خصوصی، سرانجام در سوئیس شناسایی و توقیف شد. روند طولانی پیگیری و مذاکرات دیپلماتیک سرانجام در سال ۱۳۹۹ به بازگشت آن ها به ایران انجامید. امروز این آثار ۲۸۰۰ ساله در موزه ملی ایران به نمایش درآمده اند.

نقش بر جسته ساسانی و بسته بندی شلخته

در لندن سال ۲۰۱۶ مأموران گمرک در فرودگاه لندن به بسته ای مشکوک شدند. داخل آن نقش برجسته ای ساسانی بود

جواهرات پیراهو شامل حدود ۱۸۰۰ قطعه سنگ قیمتی است که در سال ۱۸۹۸ توسط مهندس بریتانیایی، ویلیام کاکستون پیه، از یک بنای یادبود تدفینی بودایی (استوپا) در امالاک شخصی اش در ایالت اوتار پرداش شمال هند، در دوران استعمار بریتانیا، کشف شد. این مجموعه که قدمت آن به حدود ۲۰۰ تا ۲۴۰ پیش از میلاد می رسد، همراه با بخشی از بقایای سوزانده شده بودا دفن شده بود. این گنجینه شامل انواع جواهرات، از جمله یاقوت کبود، یاقوت سرخ، امستیت، گارنت، مروارید و ورق های طلاست که بر برخی به شکل اویز یا زیورالات ساخته شده و برخی نیز به صورت خام باقی مانده اند. پیه این مجموعه را به دولت بریتانیا تحویل داد و آن ها نیز بخش عمده ای را میان چند موزه در شبه قاره توزیع کردند. بخش زیادی از جواهرات به موزه هند در کلکته منتقل شد. قطعات استخوان نیز به پادشاه بودایی سیام (رامای پنجم) بازگردانده شد و بعدتر میان معابد بودایی در کشورهای چون تایلند، سرلانکا و میانمار توزیع گردید که امروزه مورد زیارت قرار می گیرند. حدود ۲۰ درصد از مجموعه، در نهایت به وراث رسید و سه تن از این وراث مجموعه را به ساتییز سپردند که آن را حدود ۱۰۰ میلیون دلار هنگ کنگ (۹.۷ میلیون پوند) ارزش گذاری کرده بود.



چگونه سیاست های اشتباه، خانه دار شدن را به رویا تبدیل کرد؟

اجاره بها؛ تله فقر برای میلیون ها خانوار ایرانی

بیش از ۴۰ درصد مستاجران در دام گرانی اجاره گرفتارند



حمید سلیمانی
هفت صبح

شش دهه پیش، وقتی اولین طرح جامع تهران روی میز مسئولان بود، معمار و شهر ساز نامدار، عبدالعزیز فرمانفرمایان هشدار داد که «در اثر گسترش تهران در سال های اخیر، نواقص و کمبودی تقریباً در کلیه شئون زندگی شهری دیده می شود. بررسی هایی که اخیراً در وضع سکونت اهالی و تراکم جمعیت به عمل آمده، نشان می دهد که شهر تهران نیاز فوری به ۸۰ هزار واحد مسکونی اضافی دارد.» آن هشدار در سال ۱۳۴۵، امروز به شکلی دیگر پیش چشم ماست؛ اما این بار کمبود خانه تنها

تصور کنید هر ماه بخش بزرگی از درآمدتان را برای اجاره خانه ای بپردازید که حتی نمی توانید آن را خانه خود بنامید. در تهران و دیگر کلانشهرهای ایران، مستاجران در تله ای گرفتار شده اند که نه تنها جیبشان را خالی می کند، بلکه رویای داشتن سرپناهی امن را از آنها می رباید. گزارش ها نشان می دهد که اجاره بها در سال های اخیر با شتابی بی رحمانه بالا رفته و حالا بیش از یک میلیون و ۸۷۰ هزار خانوار شهری در فقر ناشی از هزینه های مسکن غوطه ورند. این اعداد فقط آمار نیستند؛ داستان زندگی خانواده هایی اند که زیر بار گرانی اجاره، کمرشان خم شده است. از تهران که ۶۲۰ هزار خانوار مستأجرش درگیر فقرند تا کرمان که فقر در آمدی ۸۹ درصد مستأجرانش را زمین گیر کرده، این گزارش روایتی است از مبارزه ای روزمره برای بقا. در این میان، سیاست های نادرست و نگاه سرمایه ای به مسکن، شکاف طبقاتی را عمیق تر کرده و مستاجران را به حاشیه رانده است. آیا آمیدی به بهبود این وضعیت هست؟

چرا مسکن اینقدر در دسرس شده؟

مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی با عنوان «ااکاوی تأمین مسکن در اصل سی و یکم قانون اساسی» به موضوع اجاره بها و تأثیر آن بر فقر پرداخته است. به زبان ساده، این گزارش می گوید نابرابری در دسترسی به مسکن، یکی از دلایل اصلی فقر و شکاف طبقاتی در ایران است. وقتی داشتن یا نداشتن خانه ملکی اینقدر در زندگی افراد تفاوت ایجاد می کند، نتیجه اش نابرابری در فرصت های زندگی، از تحصیل گرفته تا شغل و حتی سلامت است. این گزارش دو اشتباه بزرگ در سیاست های مسکن را برجسته می کند که یکی نگاه به مسکن به عنوان یک کالای سرمایه ای (مثل طلا یا سهام) و دیگری دخالت های نادرست دولت در بازار مسکن است. این اشتباهات باعث شده اند که مسکن برای بسیاری از مردم، به ویژه قشر کم درآمد، به رویایی دست نیافتنی تبدیل شود.

خانواده های گرفتار در تله اجاره

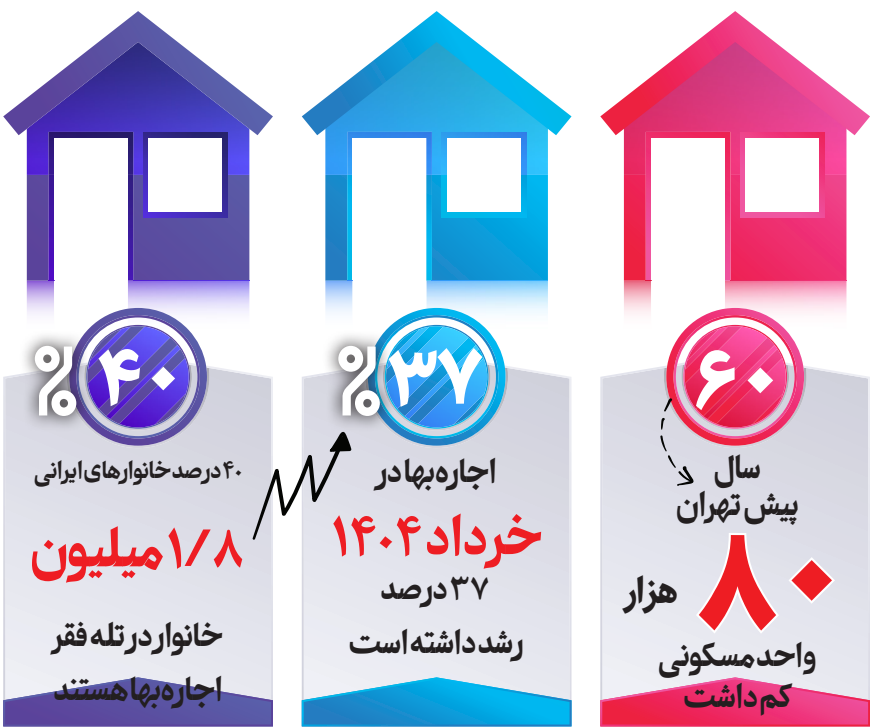
بیشتر مستأجرانی که در فقر هستند، خانواده های سه تا پنج نفره اند. در سال ۱۴۰۲، حدود ۶۴۹ هزار خانوار چهار نفره (یعنی ۲.۶ میلیون نفر) در فقر بودند. همچنین ۷۲ درصد از خانوارهای مستأجر فقیر، خانواده های سه، چهار یا پنج نفره بودند که در مجموع ۴.۵۷ میلیون نفر را شامل می شوند. نکته مهم این است که بیشتر سرپرستاران این خانواده ها بین ۳۵ تا ۴۴ سال سن دارند. این یعنی جوان هایی که در اوج تلاش برای ساختن زندگی هستند، بیشترین ضربه را از گرانی اجاره می خورند. در کل، ۷۶ درصد از خانوارهای مستأجر فقیر، سرپرستانی زیر ۵۵ سال دارند که جمعیتی حدود ۶ میلیون نفر را شامل می شود.

تهران و کرمان، پایتخت مستاجران فقیر

وضعیت در برخی استان ها از بقیه بدتر است. در سال ۱۴۰۲، تهران از منظر تعداد خانوار مستأجر فقیر با ۶۲۰ هزار خانوار و نرخ فقر ۴۳ درصد، در صدر قرار دارد. این یعنی از هر ۱۰۰ خانوار مستأجر در تهران، ۴۳ خانوار فقر به سر می برند. بعد از تهران، استان کرمان با ۸۹ درصد خانوارهای در رتبه بعدی قرار دارد که از منظر تعداد خانوار کمتر از تهران و از منظر درصد بالاتر از تهران است. در مقابل، استان چهارمحال و بختیاری با ۴ هزار خانوار مستأجر فقیر و نرخ فقر ۱۴ درصد، کمترین تعداد را دارد. همچنین در استان های اردبیل و ایلام، بخش بزرگی از فقر مستأجران به خاطر هزینه های سنگین اجاره است.

چه باید کرد؟

این گزارش تلخ، تصویری روشن از زندگی میلیون ها مستأجر ایرانی ارائه می دهد. اجاره بها نه تنها جیب آنها را خالی کرده، بلکه امیدشان به زندگی بهتر را هم کمرنگ کرده است. سیاست های نادرست، نگاه سرمایه ای به مسکن و نبود حمایت کافی از مستأجران، این بحران را عمیق تر کرده است. برای بهبود اوضاع، نیاز به سیاست هایی داریم که مسکن را از کالای سرمایه ای به سرپناهی برای همه تبدیل کند. افزایش مسکن اجتماعی، کنترل اجاره بها و ساخت خانه در مناطقی با دسترسی مناسب، می تواند نور آمیدی در این تاریکی باشد. مستأجران ایران، از تهران تا کرمان، منتظر روزی هستند که خانه، دیگر کابوسی شب های شان نباشد، بلکه پناهگاهی امن برای ساختن آینده ای روشن باشد.



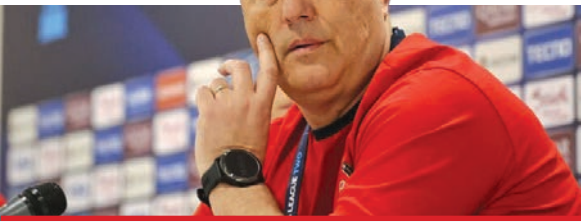
نادر، کارگری گرفتار در تله اجاره

نادر، ۳۸ ساله، هر روز صبح وقتی آفتاب هنوز کامل بیرون نیامده، از زیرزمین نمودر خانه اش در قرچک ورامین راهی کارگاه باربندسازی می شود. دست هایش پینه بسته، بوی فخر فقط کمی بود پول نیست؛ نتیجه سال ها سیاست های اشتباه، که برای یک کارگر ماهر در سال ۱۴۰۴ رقم بدی نیست، زندگی اش را می چرخاند اما حالا این چرخ لنگ می زند. نادر، همسرش لیلا و دو فرزندش، علی ۱۲ ساله که کلاس ششم است و سارا ۴ ساله که هنوز در خانه بازی می کند، در زیرزمینی ۶۰ متری زندگی می کنند. دیوارها بوی رطوبت می دهند و لکه های نم، مثل نقشه های از آرزوهای بر باد رفته، روی سقف جا خوش کرده اند. تا پارسال نادر ۸ میلیون تومان از حقوقش را برای اجاره این زیرزمین می داد. صاحبخانه، مردی که هرگز لیخنش را ندیده اند، امسال اجاره را ۵۰ درصد بالا برده؛ یعنی از اول شهر یور باید ۱۲ میلیون تومان بدهند. نادر و لیلا هر جور حساب و کتاب می کنند از دست اعداد راه فراری ندارند. ۱۲ میلیون اجاره، یعنی بیش از نیمی از حقوق نادر و با باقی مانده، باید هزینه مدرسه علی، خوراک، پوشاک و قبض های آب و برق را بدهند. سارا هنوز مهد کودک نرفته، چون پولش نیست. نادر می گوید: «هر جامی می رم، یا اجاره ها بالاتر می رود یا دیو می خوان



وقتی فرمانفرمایان ۶۰ سال پیش نوشت: «در اثر گسترش تهران در سال های اخیر، نواقص و کمبودی تقریباً در کلیه شئون زندگی شهری دیده می شود. بررسی هایی که اخیراً در وضع سکونت اهالی و تراکم جمعیت به عمل آمده، نشان می دهد که شهر تهران نیاز فوری به ۸۰ هزار واحد مسکونی اضافی دارد.» نمی دانست این هشدار از دهه ۴۰ شمسی، به سال ۱۴۰۴ هم می رسد





بنو پسید در اگان اسکوچیچ، یخوانید معمار تراکتور نوین!

مردی که زیاد می‌دانست

تراکتور تبریز توانست با هدایت در اگان اسکوچیچ دومین جام خود را در سال جاری بالای سر ببرد و فاتح سوپر جام شود

گروه ورزش | پس از آنکه تیم تراکتور تبریز در هفته بیست و هشتم لیگ برتر، برابر شمس آذر قزوین به برتری رسید و دو هفته زودتر جشن قهرمانی گرفت، خیلی‌ها در اگان اسکوچیچ را با برانکو ایوانکوویچ مقایسه کردند اما...

سر مربی کروات تراکتور با پیروزی در سوپر جام و فتح دومین جام خود در یک سال، نشان داد این مقایسه چندان هم بیراه نیست!

برانکو حدود ۴ سال هدایت پرسپولیس را بر عهده داشت و توانست همراه با این تیم موفقیت‌های زیادی را در رقابت‌های مختلف به دست آورد.

برانکو چهلمین سرمربی تاریخ پرسپولیس، پنجمین کروات و چهاردهمین مرد خارجی نیمکت این تیم بود. او در فصل اول حضور خود (لیگ چهاردهم) با کنار گذاشتن چندین بازیکن تیم توانست علاوه بر پیروزی در شهر آورد با پرسپولیس چند پله صعود کند؛ فصل بعد برانکو و پرسپولیس ضمن به دست آوردن رگوردهای مختلف لیگ داخلی ایران، به دلیل تفاضل گل کمتر، پس از تیم استقلال خوزستان، نایب قهرمان لیگ پانزدهم شدند اما در ۳ سال بعدی پشت سر هم قهرمانی لیگ‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ را جشن گرفتند.

برانکو سه مرتبه سوپر جام را به دست آورد، قهرمان جام حذفی شد و با پرسپولیس کم مهره اما با بر نامه، نایب قهرمان لیگ قهرمانان آسیا شد و در نهایت تصمیم به جدایی گرفت. برانکو با این کارنامه فوق‌العاده به درستی لقب «معمار پرسپولیس نوین» را گرفت و هنوز هم جایگاه ویژه‌ای نزد هواداران این تیم دارد.

حالا در اگان اسکوچیچ با جای هموطن خود گذاشته و می‌توان لقب «معمار تراکتور نوین» را به او داد. مردی که شباهت‌های زیادی با سرمربی سابق پرسپولیس دارد اما تفاوت اسکوچیچ با برانکو قابل تأمل است:

عبور سرد «اسکوچیچ» در جشن قهرمانی تراکتور در سوپر جام از کنار مهدی تاج ریاست فدراسیون فوتبال ایران یک دنیا حرف داشت. برانکو ایوانکوویچ نیز همچون در اگان اسکوچیچ، تیم ملی فوتبال ایران را به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان رساند و به شدت هم مورد انتقاد رسانه‌ها، کارشناسان و حتی برخی اهالی فوتبال بود. برانکو هم خطر بر کناری از سرمربیگری تیم ملی را در آستانه جام جهانی تجربه کرد اما شانس آورد حامی بزرگی به نام محمد دادکان داشت. هر چند پس از آخرین بازی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان برابر انگولا، به همراه رئیس فدراسیون بر کنار شد و داع تلخی با فوتبال ایران را تجربه کرد.

اسکوچیچ اما نه تنها حامی نداشت بلکه تنهایی را با تمام وجود لمس کرد و با نظر مستقیم مهدی تاج در آستانه جام جهانی ۲۰۲۲ قطر جای خود را به کارلوس کی‌روش داد تا بدترین شکست تیم ملی در جام‌های جهانی برابر انگلیس رقم بخورد. بی‌اعتنایی به رئیس فدراسیون فوتبال و دست‌نزدانن امهدی تاج، بزرگ‌ترین انتقام (!) مرد جنتملنی بود که زیاد می‌دانست ولی کمتر حرف زد.

در اگان اسکوچیچ پس از نامهربانی فوتبال ایران به خودش در آستانه جام جهانی ۲۰۲۲ سکوت اختیار کرد و کوشید در عمل ثابت کند طرف مقابل چه اشتباهی مرتکب شده است. سرمربی کروات تراکتور تبریز باز گشت باشکوهی به ایران داشت و دو جام از سه جام ممکن فوتبال کشورمان را قدرتمندانه تصاحب کرد و این بازگشت قهرمانانه هم از جمله شباهت‌های او با برانکو است!

به بهانه استعفای علی نظری جویباری پس از پایان سوپر جام

استقلال وسه مدیرعامل در ۱۵ ماه!

رگور دویژه هلدینگ خلیج فارس در انتصاب مدیران عامل



علی خطیر بر کنار شد!

روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ (۳ روز پس از تصاحب احمد شهر یاری) و تنها ساعتی پس از تساوی استقلال برابر تراکتور، خبر غیرمنتظره‌ای منتشر شد مبنی بر اینکه علی خطیر از سمت خود در باشگاه استقلال بر کنار شده است. این تصمیم مهم در حالی اتخاذ شد که استقلال صدرنشین جدول لیگ بیست و سوم و از بالاترین شانس برای قهرمانی بر خوردار بود.

فرشید سمیعی جانشین علی خطیر

یک روز پس از آنکه خبر بر کناری علی خطیر از مدیرعاملی استقلال منتشر شد، رسانه رسمی این باشگاه رسماً فرشید سمیعی را به عنوان جانشین او اعلام کرد. بر اساس اعلام رسانه رسمی پتروشیمی خلیج فارس به عنوان مالک استقلال، با تصمیم هیات مدیره باشگاه، فرشید هاشم سمیعی نایب رئیس هیات مدیره با حفظ سمت به عنوان سرپرست مدیرعاملی انتخاب شد.

علی عسگری رفت، شریعتمداری آمد

۱۰ آذرماه ۱۴۰۳، محمد شریعتمداری وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس انتخاب و جانشین عبدالعلی علی عسگری شد. با این تغییر و تحول، احمد شهر یاری که تا پیش از این به‌عنوان نماینده هلدینگ خلیج فارس در باشگاه استقلال با حکم رئیس مجمع و هیات مدیره در تصمیمات این باشگاه نقش داشت، از این باشگاه رفتنی شد. شهر یاری البته حواشی زیادی از جمله خرید دو بازیکن یونانی بدون نظر سرمربی وقت استقلال



پس از شکست ۲ بر یک آبی پوشان تهرانی برابر تراکتور در سوپر جام، علی نظری جویباری به صورت تلویحی از سمت خود به عنوان مدیرعامل استقلال استعفا داد. علی نظری جویباری بعد از ناکامی تیمش در فتح سوپر جام، در واکنش به بررسی در خصوص استعفا از استقلال نیز صحبت معنی‌دار اما مهمی داشت و گفت: «واقعاً خسته شده‌ام و گفتم اگر می‌شود، کنار بکشم و بروم. ناهماهنگی‌هایی در باشگاه وجود داشت ولی باید از محمد شریعتمداری تشکر کنم که نهایت همکاری را کرد. از هیئت مدیره و علی تاجرنیا نیز تشکر می‌کنم ولی واقعا دیگر توانی ندارم و احساس می‌کنم امروز بروم، بهتر از این است که فردا بروم. واقعا خسته شده‌ام.» شاید مدیرعامل استقلال نتوانست و نخواست پرده از یک واقعیت تلخ اما مهم در این باشگاه در ۱۵ ماه گذشته بردارد؛ منتهای مراتب بد ندیدیم کمی این داستان را باز کنیم.

۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ واگذاری استقلال به هلدینگ خلیج فارس

آیین واگذاری مالکیت دو تیم استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی، صبح روز چهارشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ با حضور سید احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی، کیومرث هاشمی وزیر ورزش و جوانان برگزار شد. در این مراسم معاون مالی و سرمایه‌گذاری گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، مدیرعامل پتروشیمی بندر امام و همچنین مدیران مالی شرکت‌های پتروشیمی پارس، بوعلی و شهید تندگویان به نمایندگی از هلدینگ برای امضای اسناد مربوط به مالکیت استقلال ایران، حضور داشتند. در این مراسم کنسر سیموی متشکل از شرکت‌های گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، ۸۵ درصد سهام باشگاه استقلال ایران را خریداری کردند.

احمد شهر یاری نماینده تام‌الاختیار مالک جدید استقلال

اولین جلسه هیات‌مدیره استقلال ایران بعد از خرید ۸۵ درصد سهام آن توسط گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، روزیکشنبه ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۳ (۴ روز پس از واگذاری استقلال به هلدینگ) برگزار شد. در این جلسه مقرر شد احمد شهر یاری تا پایان فصل نماینده تام‌الاختیار هلدینگ خلیج فارس در جلسات هیات مدیره این باشگاه باشد.

حوادث

پرونده قتل

با گزارش‌ی که مرد همسایه در اختیار مأموران پلیس قرار داد، رسیدگی به موضوع در دستور کار انتظامی و قضایی قرار گرفت. در تحقیقات ابتدایی مشخص شد که شب حادثه مرد جوانی باغ را اجاره کرده و در آن پارتهی ترتیب داده بود. در این مهمانی حدود ۵۰ مهمان حضور داشتند که خیلی از آنها همدیگر را نمی‌شناختند. ساعتی بعد از شروع مهمانی بین این افراد درگیری رخ داده بود که در این نزاع جوانی حدوداً ۴۰ساله به نام شهاب با اصابت ضربه شمشیر به شدت مجروح شد و بعد از تماس مرد همسایه توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شد. شهاب ساعتی بعد از انتقال به بیمارستان به رغم تلاش‌های کادر درمان و انجام اقدامات درمانی برای معالجه و نجات جانش؛ به علت شدت جراحات وارد شده به کام مرگ فرو رفت.

اعتراف به جنایت

به این ترتیب رسیدگی به موضوع وارد فاز جنایی شد و کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری عاملان شرکت کننده در نزاع آغاز کردند. در جریان تحقیقات پلیسی ۱۲ نفر از افرادی که شب حادثه در باغ مهمان بودند و در مهمانی حضور داشتند بازداشت شدند. در میان این افراد مرد جوانی به نام نوید به وارد کردن ضربه مرگبار شمشیر اعتراف کرد و



متهم، قتل باضربه شمشیر در نزاع دسته‌جمعی را انکار کرد

محاکمه دی جی پارتی شبانه

۱۲ متهم شرکت کننده در نزاع دسته‌جمعی در دادگاه از خود دفاع کردند، ادعای دروغ برای نمایش بی‌باکی بود



فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

زمستان سال ۱۴۰۱ در یکی از محله‌های شهر یار نزاع مرگباری رقم خورد که در جریان آن مرد جوانی با اصابت ضربه شمشیر از پای در آمد. ماجرا از زمانی آغاز شد که صاحب یک باغ و یلا در نزدیکی محل وقوع درگیری با مأموران پلیس تماس گرفت

سیلی محکمی زیر گوش او زد و گفتم تو خیلی غلط اضافه کردی که به همسر متلک انداختی. او خیلی عصبانی شد و صورتش از شدت خشم گل انداخت اما باز هم پیاده نشد و فقط گفت صبر کن بین چطور این باغ را روی سرتان خراب می‌کنم و بعد پایش را روی گاز گذاشت و از محل دور شد.»

حدود ۴۵ دقیقه بعد شهاب و دوستانش به محل مهمانی برگشتند. نوید در ادامه ماجرا را اینطور توضیح داد: «ناگهان صدای عیبی شنیدیم. در باغ بسته شده بود اما حدود ۱۰ نفر با چوب و سنگ به در ضربه می‌زدند. یکی از مهمان‌ها سر دیوار رفت و از بالای دیوار کوچه را نگاه کرد و گفت تعدادی ناشناس در حال تخریب خودرو مهمان‌ها هستند و با چوب و چماق به جان ماشین‌هایمان افتاده‌اند. همین که این حرف از دهانش بیرون آمد یکی از افراد داخل کوچه قلهه سنگی سمت او حواله کرد و به او اصابت کرد و باعث شد این فرد از سر دیوار افتاده و کف باغ نقش زمین شود. همین کافی بود که همه افراد احساس خطر کرده و برای نجات خود روهایشان هم که شده بود وارد کوچه شدند.»

وقتی در باز شد درگیری دسته‌جمعی بین مهمان‌ها و دوستان شهاب آغاز شد: «ما همدیگر را نمی‌شناختیم برای همین من دیدم که حتی مهمان‌های داخل مهمانی هم همدیگر را به اشتباه کتک می‌زدند. یکدفعه چشمم به شهاب افتاد و خون جلوی چشمانم را گرفت. او به ناموس من متلک پرانی کرده و حالا هم این الم‌هشنگه را راه انداخته بود. دوستان او به ماشین افراد بیگناه بی‌دلیل آسیب زده و این وضعیت را درست کرده بودند. به این چیزها که فکر کردم خشم سرترا پای وجود من را گرفت. برای همین از داخل ماشینم یک شمشیر بیرون کشیدم و با آن یک ضربه

و خبر از نزاع دسته جمعی داد. این مرد که در همسایگی محل حادثه ساکن بود در اولین گزارش خود به پلیس گفت: «ساعتی قبل صدای درگیری وحشتناکی در کوچه باغ پیچید. من از دور شاهد بودم که چندین مرد به جان هم افتاده‌اند اما تعداد آنها زیاد بود و من دست‌نشانم توانستم برای فیصله دادن به ماجرا وارد شوم، چون می‌ترسیدم بلاپی سر خودم بیایم و در جریان درگیری آنها ضربه‌ای به من نیز اصابت کند. برای همین جلو نرفتم

به شهاب زدم که غرق در خون روی زمین افتاد. وقتی دوستانش این صحنه را دیدند پا به فرار گذاشتند و حتی برای نجات جان او یک نفر هم نماند. اما بعد از ضربه‌ای که من زدم چند نفر از مهمان‌ها به شهاب چند ضربه دیگر زدند.»

اعترافات دی جی مراسم

در جریان تحقیقات تعدادی از متهمان دی جی مراسم را به عنوان یکی از عاملان قتل معرفی کرده و اظهار داشتند که بعد از مرگ شهاب دسته‌جمعی به یک ویلا در شمال فرار کردند. یکی از متهمان گفت: «وقتی در ویلا در حال صحبت بودیم و هر کسی درگیری را از زاویه نگاه خودش روایت می‌کرد؛ ناگهان دی جی مراسم گفت امیدوارم آنجا دوربین نداشته باشد چون من هم یک ضربه با چاقو به کمر شهاب زدم.» در حالی که چند نفر دیگر از متهمان نیز تأیید کردند که چنین حرفی را شنیده بودند برای حیوان دی جی نیز اتهام مشارکت در قتل در کبفرخواست صادر شد. با تکمیل تحقیقات نوید به همراه ۱۱ متهم دیگر برای دفاع از خودشان در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

در دادگاه

در ابتدای این جلسه نماینده دادستان کیفرخواست صادر شده از دادسرا را قرائت کرد. سپس پدر و مادر و دختر ۲۱ساله شهاب به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص متهم اصلی پرورنده و همچنین دریافت دیه ضریبات غیر منتهی به فوت را کردند. سپس نوید در جایگاه دفاع حاضر شد و به رغم اعترافات صریح در مراحل تحقیقات اتهام خود را

چون نزاع دسته جمعی بوده در نهایت همگی تبرئه می‌شوم.» یکی از متهمان پرورنده نیز خشایار بود که باغ را برای مهمانی اجاره داده بود. او در دفاع از خود در برابر اتهام دائر کردن مرکز فحشا گفت: «من باغ را شش میلیون تومان اجاره داده بودم و نمی‌دانستم قرار است چه برنامه‌ای داشته باشند تا اینکه همسایه باغ با من تماس گرفت و وقتی فهمیدم دعوا شده سریع خودم را رساندم و برق را قطع کردم که همه مهمان‌ها مجبور به رفتن شوند.»

دفاع دی جی مراسم

آخرین فردی که از خود دفاع کرد دی جی مراسم بود که گفت: «دشنامم را قبول ندارم.» او ادامه داد: «قبول دارم که من مقابل دوستانم ادعا کردم ضربه‌ای به شهاب وارد کرده‌ام اما فکرش را هم نمی‌کردم این دروغی که برای جلب توجه همسرم گفتم به قیمت سنگینی برآیم تمام شود. حقیقت این است من فقط می‌خواستم بقیه به خصوص همسر فکر کنند من انسان بی‌باکی هستم. اما آن شب من اصلاً بیرون نرفتم و داشتم وسایلم را جمع می‌کردم چون اجاره‌ای بود و نمی‌خواستم در جریان درگیری آسیب ببینم. در واقع من اصلاً نفهمیدم که درگیری اینقدر گسترده و عمیق است و فقط سر و صدا را شنیدم.» قضات دادگاه بعداز شنیدن دفاع متهمان و وکلای آنها برای صدور رای وارد شور شدند.



